

عالم یهود

شماره سیزدهم
دوره سوم
تک شماره ریال

پنجشنبه
۷ بهمن ماه ۱۳۴۳
۲۷ ژانویه ۱۹۵۵
۴ شواط ۵۷۱۵

העולם היהודי



در این شماره ...

- باسمعی بيك خواننده
- يكقدم بجلوبا بقترا
- اخبار عالم يهود
- ايلياار نيورك
- چارلي چاپلين
- بازگشت بخانه
- شعرو ادب
- يهوديان در جهان
- نظر انستين ...
- داستان ...
- اشك و آه
- دادگاه عشق
- سينائي
- مسابقات
- شوغو و سرگرمي
- و بسيای مطالب خوانندني ديگر ...

چارلي چاپلين
شرح دو صفحه

برای آنکه در چار سر ما خوردگی نشوید بدستورات بهداشتی ذیل عمل کنید از معاشرت با بیماران اجتناب نمائید

مبتلایان را از سایرین مجزی نموده و برای معالجه فوری آنها بدرمانگاه مراجعه کنید - بکودکان توصیه کنید در موقع عطسه و سرفه جلو دهان و بینی خود دستمال نگاهدارند - زیاد به بخاری نزدیک نشوید - زیر کرسی نخواید - پنجره اطاق خواب خود را باز بگذارید - پس از استحمام با آب گرم با آب نیمگرم سپس با آب سرد استحمام کنید - از سرما بترسید - کم کم خود را بسرما عادت دهید - از خستگی - بیخوابی - پر خوری و مخصوصاً از مصرف غذاهای ثقیل و ناپاب پرهیز کنید - اگر ضعیف البینه هستید برای رفع علت آن پزشک مراجعه کنید و در هر حال برای افزایش مقاومت بدن خود میتوانید هر سال در ابتدای فصل زمستان مقداری روغن ماهی یا مواد ویتامین دار مصرف نمائید

بخش بهداشتی جوینت در ایران
بیمارستان کانون خیرخواه - تهران

ش ۸۷۲

اندرزهای مفید و سودمند برای همه

- چنانچه : به سفیدی و بهداشت دهان خود علاقه مند هستید روزانه خمیر دندان طبی «دیرو دونت DURODONT» مصرف کنید .
- چنانچه : بوی زننده دهان شما را عذاب میدهد خمیر دندان سبز دیرو دونت که از ترکیبات گلر فیل تهیه شده مصرف کنید .
- چنانچه : ریزش موی شما باعث ناراحتی خیال شده یا اینکه اصولاموی سرتان ریخته باشد و مایل به رویش مجدد آن میباشید از محلول «کمانات Comanat» طبق دستوری که روی آن نوشته شده استعمال کنید .
- چنانچه : بانوان و آقایان مایل بداشتن موی شفاف و برق و نداشتن شوره سر میباشند از شاهپوی بی نظیر بدون الکل «سیتو Cito» مصرف کنید .
- چنانچه : آقایان مایل به تراشیدن سهل ریش های خشن و زبر و داشتن صورتی نرم و باطراوت باشید از خمیر ریش معطر «سیتو Cito» استعمال کنید .
- چنانچه : اختلالات عصبی معده ، بی حواسی ، طپش و گرفتگی قلب ، سردرد های عصبی ، درد های ماهیانه شما را زحمت میدهد و ناراحت کرده است از شربت بروژونی وال «Brojunival» که ترکیبی از برم والرین و ویتامین B1 است طبق تجویز دکتر روزی سه فاشق مر با خوری بخورید .
- اجناس فوق درعین حالی که از بهترین کارخانجات سازنده آن تهیه گردیده با صرفه ترین و مناسب ترین اجناس مشابه خود میباشند و در کلیه داروخانه های معتبر در دسترس شما گذاشته شده است -

درمانگاه دکتر شادی مخصوص بهداشت و بیماریهای مادران و کودکان

ش ۸۴۲ آدرس جدید: سه راه شاه - کوجه شهر یار - (منزل آقای نور افشان) تلفن ۴۴۰۲۵ ۱۱-۲

هر دو هفته یکبار منتشر میشود صاحب امتیاز دکتر بوستانی
نشانی - خیابان چریل ۳۵ تهران مدیر - موسی کرمانیان
اشترک سالانه تهران ۱۲۵ ریال - مدیر داخلی منوچهر امیدوار
خارج ۲۵۰ ریال

شرکت سهامی چاپ گهر

نظامیه
העולם היהודי

پاسخی بيك خواننده

در تعقيب شرح مختصري كه بنام «درد دل» در شماره گذشته درج شده نامه‌هاي بيشماری بدقت مجله رسيد كه همه حاكي از حسن نيت و علاقمندی خوانندگان عزيز عالم يهود بود و چون تقريباً مضمون همه نامه‌ها شبیه بيكدیگر بود نامه آقای ياشار خواننده هميشگی و دوست محترم خود را در اين شماره پاسخ میدهيم

بیر و درد دل

هیئت تحریریه عالم یهود از قرائت درد دل آن دوستان متاثر شدم زیرا اولاً تصور نیرفت مشترکی پیدا شود که وجه ناچیز ابونمان آن مجله گرانهارا بر داخه باشد یا از پرداخت آن مسامحه کند... ثانیاً از تهدید به تعطیل مجله که از طرف آن هیئت شده بود زیادتر اسباب ناراحتی بسیاری از خوانندگان آن مجله گردید بسیاری از مشترکین آن مجله با ابونه بودن مجلات معروف مرکز و روزنامه‌های یومیه صبح و عصر سراغ دارم که اگر روز مخصوص بخش مجله عالم یهود مجله بدست اینان نرسد ناراحت شده و از این و آن سراغ مجله را میگیرند بنیاداً خدای ناکرده بلائی پسرش آمده باشد درین صورت و اما از مروت بدور است که این ابونمان ناقابل که باعث پایدار ماندن مجله است بتاخیر افتد و زما راجع به گله که از خوانندگان برای عدم انتقاد از مجله شده بود این قسمت گویا از شکسته نفسی بلکه بزرگواری هیئت تحریریه میباشد. برای هر خواننده که با علاقه مخصوص بدان مجله توجه کند محسوس است که از اوائل نشر این مجله تا بحال تاچه اندازه خوانندگی تر شده و واقفاً هر یهودی حساس از خواندن مقاله‌ها و سرگذشت‌ها و اطلاعات تاریخی و اتفاقات عالم اسرائیلی که با زحمت آن دوستان فرهنگ دوست و دانشمند تهیه نموده و در مجله درج میکند هر یهودی را مشغوف و موظف مینماید که آقایان را تشویق نماید زیرا یگانه نشریه اسرائیلی یعنی یهودی که در این سرزمین طبع میشود فقط مجله عالم یهود است امیدوار است با آن جوان مردی و پشت کاری که در این مدت آقایان بخرج داده‌اند و از تعطیل این نشریه مقید جلوگیری کرده‌اند باز هم تا آنجا که مقدور آقایان باشد راه حلی برای آن پیدا نماید که خدای نکرده آسبیبی بآن نرسد نگارنده راجع به پوشی که این مجله در عالم خود بخرج داده و تمام موسسات را تشویق بهمکاری نموده و انتقادات کمالاً

نجیبانه که بوی تحریک از آن بشام کسی نخورده درج نموده‌اید اشاره نمیکنم بنیاداً عمل به تملق یا اغراق شود و امیدوار است از طرف خوانندگان مجله تا آنجا که ممکن است تشویق بعمل آید که بیاری خداوند ساز، بسال اوراق بر بهای این مجله زیادتر گردد - ابراهیم یاشار

آقای یاشار چون میدانم بشعر و شاعری علاقه دارید بگذارید برداشت مطلب را با این شعر مناسب مرحوم شاطر عباس شروع کنم که گفت دشمن اگر میکشد بدوست توان گفت با که توان گفت اینکه دوست مرا کشت؟! راستی این خیلی اسفناک است و دل انسانرا میسوزاند که يك اجتماع صد هزار نفری با سابقه تاریخی دوهزارساله همه حیات معنوی و علاقه‌مندان بودنش بيك تخیله دو هفتگی بیست صفحه ای منحصر باشد و آن مجله هم بتعطیل تهدید شود این دل آدم را میسوزاند که صد هزار نفر جمعیت با همه یدو بیضاشان از يك روزنامه مرتب و کامل، يك تآتر ازنده، يك کلوب و مجل اجتماع یعنی واقعی خودش و نشر کتب اختصاصی و مورد لزوم بردارد و خیلی چیزهای دیگر که ضروریات حیات اجتماعی امروزند محروم باشد البته اینها هر آدم حساسی را رنج میدهد و میآزارد اما روی دیگر ورق را هم ببینید، اگر فرهنگ از اجتماع مادور شده است و اگر حیات معنوی راترك کرده ایم در عوض ظواهر حیات مادی البته فقط ظواهر مارا بیدار در بر گرفته است، شاد در هر خانه‌ای که سر بر نیاگر يك جلد کتاب مفید و خوب پیدا نکنید، دو دست ورق بازی نوینیدار پیدا خواهید کرد، اگر بچه‌های هفت و هشت ساله و حتی پاره ای جوانان عزیز کرده ما از دانستن بدیهی ترین اصول اجتماعی و حیات مختصه خود محرومند در عوض در پو کورامی و غیره کولاک میکنند

«وای بمرده می که سنک را بیندند و سنک را بکشایند»

این کشفه است، این جامه را ویران خواهد کرد... بهر حال اینرا باید بدانید که حتی تصور تعطیل این مجله برای ما تا آنرا آور و خیلی هم تأثر آور است اما آیا این تأثرها میتواند يك مجله را راه برود؟ آقای یاشار بخلاف تصور جنابعالی ما کسان زیادی رامیشناسیم که از پرداخت همین وجه اشتراك مختصر هم خودداری میکنند، چه میشود کرد... یادش بخیر که گفت: «آنها که میخسواهند نمیتوانند و آنها که نمیتوانند نمیخسواهند» روزنامه نویسی برای کسانی که هدف مشخص و راه روشنی دارند و نمیخواهند از راه خرد منحرف شوند در همه دنیا کار مشکلی است و برای ما که هنوز چنانکه باید با ارزش نشریات بی نبرده ایم و بود و نبود آن غالباً بر ایمان یکسانست اشکال صدچندانست... اما با همه اینها ما میخواهیم که این شعله ارزانی که در جامعه ظلمانی ماروشن شده است خاموش نشود و برای این منظور نهایت کوشش خود را بکار خواهیم برد شاید توفیق یابیم و امیدواریم آنروز نرسد که بخلاف میل شما و امثال شما ناچار بتعطیل مجله شویم امیدواریم

تبریک

آقای دکتر بروخیم استاد ادبیات فرانسه در دانشگاه تهران سمت سردبیری روزنامه وزین ژورنال دوتهران را تقبل نموده‌اند... ماضن تبریک روزنامه ژورنال دوتهران امیدواریم آقای دکتر بروخیم در خدمت فرهنگ و دانش کشور همواره مؤید باشند.

سخنرانی

سازمان بانوان یهود - ایران از بانوان و دوشیزگان دعوت می نماید در جلسه سخنرانی که روز دوشنبه یازدهم بهمن ماه جاری ساعت ۵ عصر به از ظهر در دبیرستان کورش برقرار است حضور بهم رسانیده و از آوردن اطفال که باعث اختلال نظم جلسه می باشد خودداری فرمایند

سازمان بانوان یهود ایران

يك قدم بجلو یا بقره؟! ۱

مناقض مقالات قبلی ما درباره امور ملی و اجتماعی جامعه و انجمن کلیبیان چنین بنظر میرسد که در میان خدمتگزاران جامعه ما که الحداثه عده آناهز یاد است کسانی بفرگه چاره جوئی افتاده‌اند و عده زیادی از مردم هم يك مرتبه متوجه وضع وقت انگیز موجود شده‌اند... بهر حال بایشقدهی انجمن خیریه اتحاد و رییس آن آقای سنهی روز جمعه اخیر جمعیت قابل توجهی از سرشناسان قوم دو سالن دبیرستان اتحاد گرد آمده تا برای رفع تقاروت تشتت و پیدا کردن يك راه حل برای تحویل و تحول امور انجمن کلیبیان پیدا کنند... حال که صحبت از تحویل و تحول شد بد نیست خوانندگان خود را تا اندازه ای در جریانات خصوصی جامعه بگذاریم... متاسفانه و باز هم متاسفانه در جامعه ماست و رسم بر این شده است که با انتخاب و کیل جدیدی برای مجلس باید انجمن جدیدی هم صرفاً بالظر او بوجود بیاید و روی این اصل ثبات و دوام و تجربه و پشت کار که لازمه توفیق يك انجمن اجتماعی و ملی است معدوم شده از طرفی انجمن های جدید روی اصل لجبازی هاو کار شکنی های مفت و بیپوده عاجز و مستاصل شده و وجه و آبروی خود را از دست میدهند و از طرف دیگر آن رسم خوب و شیوه پسندیده‌ای که در تمام دنیا معمول است و همیشه يك انجمن و ییاسازمان و هیئت منتخب لاحق برای احترام جامعه و ملت و مملکت از خدمات انجمن و سازمان سابق خود قدردانی و تشکر (ولو از لحاظ نشریات) میکرد در میان مامول نكشته و برعکس عناد و دشمنی و تحقیر جای آنرا گرفته است بدیهی است که این امر در حالی که روی تعارفات و موضوعات کوچک و خصوصی بین اشخاص است باعث يك دسته بندی زنده و دوگانگی شدید شده که اغلب به دشمنی میکشد و بالنتیجه کارهای جامعه ما و امور يك جماعت درمانده و مغلوب عاطل و باطل میناند و آنها که خود بحق هیچ احتیاجی به سازمانهای اجتماعی ندارند و برعکس وجودشان باید منشأ خدمت و اثر برای توده مردم باشد بدون آنکه متوجه باشند بعنوان مانع و رادع پیشرفت امور همان توده بکار میافتند... این مقدمه را گمان نیرود کسی منکر باشد و حالا به شرح بیطرفانه اموری که اتفاق افتاده توجه فرمایید

کذاشتند هزار نفر خود را مدعی معرفی میکنند که برای اعاده حق جامعه اقدام کرده و میکنند در حالیکه سند مالکیت اموال اراضی نزد آقای دکتر برال است و قدرت قانونی که ناشی از قوانین مملکت است در لای کارت عضویت مجلس شورایی در جیب آقای اریه است و هر دوی این نیروها که باید با شرایط حاضر با هم جمع شوند عاقل مانده کوششها و مساعی اشخاص خیر و وریش سفید باد یوار سنگی مواجه شده است من نیتانم بچقدر صحت دارد ولی صحبت از آنست که با احترام شخصی و شخصیت رئیس و اعضای انجمن سابق توهین شده الحق هم باید در میان ما رسم باشد که کسی که مدتی مصدر کار بود از او قدردانی شده ولی همان آقایان هم باید درک کنند که گرو کشتی در باره بی احترامی و توهین نباید بحساب جامعه باشد این حسابها باید تفکیک شود و انگهی امور اجتماعی همیشه همینطور است و اصولاً یکی از اعلام مردی و مردانگی و فداکاری و درجه شخصیت کسانی که بدون غرض قدم در راه اجتماع میگذارند همین است که تاب تحمل نارواییها و دشنامها و توهین هاراهم داشته باشند... مامعتقد نیستیم که آقای اریه معجزه میکند هیچکس به تنهایی کار مهمی را نمیتواند انجام دهد ولی معتقدیم که دیگر در شرایط حاضر و دنیای کنونی که از هر لحاظ برای جامعه های یهودی مستلزم دقت مخصوص است مجال این دوگانگیها نیست و برای سازمان دادن به جامعه شاید با آقای اریه که مدتی در خارج شاهد فعالیت و سازمان جامعه های یهودی بوده اند بهتر بتوان کنار آمد و يك انجمن مستقل و با بر جاد درست کرد که هم مسلط و هم خدمتگزار جامعه باشد و اکنون که الهه الله روز جمعه اخیر جریان کارها بجای رسیده که امید میروا اختلافات فیصله یابد و امور اجتماعی ما بخصوص با دخالت فعاله انجمن خیریه اتحاد وارد مرحله نوبتی گردد صلاح نیتانیم بیش از این زبان بانتقاد بکشاییم در این جلسه آقای گلشن نایب رئیس انجمن سابق اعلام نمودند که آقای دکتر برال استعفا کرده اند و ایشان هم تابع نظر جمعیت حاضرند آقای گلشن در سخنان خود حسن نیت فراوان بکار بردند و ما اطمینان داریم که این حسن نیت در وجود اغلب افراد انجمنها وجود دارد - جمعیت حاضر از خدمات و زحمات رئیس و اعضای انجمن سابق - قدردانی نموده و عموم حضار و از جمله اعضای انجمن جدید و آقای دکتر منتخب نمایندگی از طرف آنها صورت مجلس (بقیه در صفحه ۱۹)

کشتی های ماهیگیری دو برابر میشوند

ریس اداره ماهیگیری وزارت کشاورزی اسرائیل برون نامه نکاران اطلاع داد که در سال جاری شماره کشتی های ماهیگیری اسرائیل از ۱۸ فروند به ۳۶ فروند یعنی دو برابر افزایش خواهد یافت اولین کشتی بزرگ ماهیگیری بنام «اوفر» که جمعا ۸ فروند مثل آن از محل وجود غرامات از آلمان تهیه خواهد شد واد اسرائیل و مشغول کار شد این کشتی ها ۲۱ و ۲۵ متر طول خواهند داشت.

مشاور نظامی سنای آمریکا و روابط اسرائیل و عرب

ژنرال یولیوس کلاین مشاور نظامی مجلس سنای آمریکا در طی گزارشی خود به سنا مینویسد:

دولت متحد آمریکا موظف است تمام مساعی خود را بکار برد تا به مناقشات موجود بین کشورهای عرب و اسرائیل خاتمه داده شود وی اضافه میکند که هر دولتی که از آمریکا کمک نظامی دریافت میکند باید متعهد شود که از این سلاح برای حمله بکشور دیگری استفاده نخواهد کرد

عملیات «یونا» شروع شد

۱۳ نفر از متخصصین و عسکریانان فرانسوی و سویس و بلژیکی وارد اسرائیل شدند تا با همکاری اسرائیلی در آبهای ایلات از موجودات زنده زیر آب فیلم تهیه کنند عملیات این عده بنام «یونا» نامیده شد که طبق نوشته کتب مقدس مدتی در شکم ماهی در زیر آب بوده بنام «عملیات یونا» مشهور شده است.

کنگره یهودیان آمریکا و روابط با اسرائیل

بزودی کنگره ای مرکب از ۱۶ سازمان یهودی آمریکا در واشنگتن منعقد میشود تا درباره روابط یهودیان آمریکا با مملکت اسرائیل تصمیم بگیرد این خبر را دکتر ناحوم گلدمن رئیس آژانس یهود بختبرنگاران داد.

مؤسسه توزیع شراب اسرائیلی

در آمریکا مؤسسه ای برای توزیع و بخش شراب مشهور اسرائیل ایجاد شده است بطور متوسط سالانه ۱۸ هزار صندوق شراب «ریشون لسیون» در آمریکا فروش میرود و با ایجاد مؤسسه مذکور امید میرود این مقدار افزایش یابد

۴۰ میلیون لیره برای آبادی بیابان

برای برنامه عمران و آبادی و امکان مهاجرین در نواحی بیابان جنوب اسرائیل مبلغ ۲۰ میلیون لیره بودجه معین شده است عملیات این اقدام مهم شروع شده و گمان میرود در ظرف زمستان امسال انجام گیرد

اخبار عالم یهود

اسرائیل به ارژانتین جیب میفرود شد دوست دستگام ماشین جیب که در اسرائیل سوار و تکمیل گردیده در روزهای آینده به بیونوس آیرس خواهد رسید. اسرائیل جیب هارادر مقابل خرید گوشت به ارژانتین میفرود شد.

دکتر سامر سکیل مهمان اسرائیل بانود کتر سامر سکیل که اکنون ریاست حزب کارگر انگلستان را برعهده دارد هفته قبل بنوان مهمان دولت اسرائیل بانوی سیاستمدار بریتانیا است که شاغل مقامات حساسی بوده است و بطور قطع اگر حکومت مجددا بدست حزب کارگر بیفتد پست مهمی را خواهد داشت

بزرگترین کانال در اسرائیل

پرو سلسله عملیات حفاری و آبیاری مربوط به رودخانه اردن هفته قبل پس از يك دوران آمادگی مقدماتی پرداخته عملیات حفر بزرگترین کانال اسرائیل شروع شد بوسیله لوله بتون مسلحی که در این کانال قرار خواهد گرفت نصف آب اردن وارد دریایچه ژمنیع بزرگ آب خواهد شد که سطح آن شصده هزار متر مربع و عمق آن ۱۵ متر و حجم آن معادل يك میلیارد متر مکعب آب خواهد بود این دریایچه دو هدف خواهد داشت یکی آنکه اراضی وسیعی را آبیاری کند و دیگر تولید نیروی قابل توجه برق نماید کانال اولیه ۸۵۰ متر طول خواهد داشت و قطر سر لوله بتون مسلح داخل آن سه متر خواهد بود و چون سطح این کانال از سطح دریایچه ۱۱ متر پایین تر است با وسایل مکانیکی و موتورهای آب وارد دریایچه خواهد شد

باران وسیل

در دو هفته قبل بارانهای شدید در سراسر اسرائیل بارید که بخصوص در مباراها باعث خسارات زیاد شد پلیس و سازمان های ملی در همه جا بر دم کمک کردند صندوق مخصوص تحت ریاست رئیس جمهور بن صبی برای کمک به آسیب دیده گان وسیل و باران تشکیل شد

کانال سوئز

در اولین جلسه دوران جدید شورای امنیت ملل متحد نمایندگان انگلستان و فرانسه درباره آزادی عبور و مرور کشتی هادر ترعه سوئز صحبت کردند و دعای مصر را در این باره رد نمودند آنها تاویل

دولت های خود را با آزادی عبور از کانال برای تمام ملل اعلام نمودند. هفت کشتی کالای خسارات. اذکاره انتشارات شرکت خسارات گزارش میدهند که در این ماه ۷ کشتی کالای مختلفه از جوه خسارات بایسرائیل وارد وتانیه ماه آینده ۵ کشتی دیگر به آنها اضافه خواهد شد. این کشتیها حامل مواد اولیه برای کارخانجات. ماشینهای مختلفه. مواد ساختمانی و شیمیائی. لاستیک آرد. چوب سفید. پودر ماهی. نخ نسوز و کاغذ خواهد بود.

محصول و صدور دندان مصنوعی لپستان مبلغ صد هزار دلار دندان مصنوعی به اسرائیل سفارش داده است. با این سفارش ۳۰ نفر کارگزارانی در کارخانهای دندان مصنوعی بکار مشغول می شوند. همچنین تغییراتی در صدور دندان مصنوعی به فرانسه روی داده و بنظرمی آید که سفارشات این مملکت بمبالغ خیلی زیادی خواهد بود. فقط ۵۰۰ از محصولات دندان مصنوعی در اسرائیل مصرف میشود و بقیه به ۱۵ مملکت خارجی صادر می شود. امروز در دنیا ۲۰ تا ۳۰ کارخانه دندان مصنوعی موجود است که تنها چهار تای آن در سراسر ممالک امریکاست.

معاملات با روسیه

مسکو. خبرگزاری رویتر گزارش میدهد که نمایندگان بازرگانی اسرائیل در مسکو موافقت نامه فروش مرکبات را امضاء و درباره فروش و صدور موز نیز مذاکرات پرداختند. رویتر اضافه میکند که بوجوب این قرارداد فروش مرکبات به ۱۴ هزار تن بالغ میشود و ارزش آن بابت قسمتی از جوه ۲۵۰ هزار تن نفتی که اسرائیل از روسیه خریداری نموده محسوب میشود.

صادرات پنسیلیلین و ...

مقدار سه تن بنی سیلین محصول اسرائیل از بندر حیفا توسط کشتی «فیلیو گرمانی» بیونان صادر شد. بوسیله همین کشتی تعداد ۲۵۰۰ صندوق تخم مرغ بایتالیا و مقداری مرکبات به سویس حمل شده است. این کشتی ۱۰۰ نفر مسافر و سیاح با خود به اسرائیل آورد. مقدار ۲۰۰ تن پوئاس با انگلستان حمل شد و در مخازن حیفا ۴۰۰ تن پوئاس موجود است. نوزده هزار صندوق مرکبات به یوکلایر حمل شده. فعلا فصل صادرات مرکبات است که روزانه بطور متوسط ۵۰ هزار صندوق بخارج حمل میشود.

بقیه در صفحه ۲۲

ترجمه از: شهاب

ایلیا ارنبورک نویسنده یهودی شوروی

ارنبورک نویسنده، شاعر و روزنامه نگار شوروی در ۲۷ ژانویه ۱۸۹۱ در کیف از خانواده یهودی متولد شد. کودکی خود را در (شانوونیسکی) حومه مسکو (که همواره سرشار از بوی مطبوع و گرم آبجو است) گذرانید. والدینش هنگامی که او کمی بیش از پنج سال داشت با نجا رفته بودند. ارنبورک تحصیلات خود را در (ژیننازیم مسکو) انجام داد. معلم و مربی او مردی بود که در نظارت این کودک شیطان کوشش های فراوانی میکرد و حتی برای نفوذ در او از هیپنوتیسم استفاده مینمود. ایلیا در ۱۳ سالگی به تنهایی

بیران رفت و در (کافه ویکتوریا) منزل گرفت. روزی تمام یک های آن کافه را بلبلیده و مضمحل ساخت و آخرین بنی خود را هم برای خریدن يك (کاغذ کبر) که بشکل سوسمار بود خرج کرد. بعد به تلگرافخانه رفت بامیدی که والدینش بولی جهت مراجعتش بسکو فرستاده باشند.

ارنبورک ها در مسکو در (هتل دربار سلطنتی) زندگی میکردند و این سرک در کودکی بقدری شیطان بود که هر گاه نوکرشان را میدید که سوار جوشان در دست گرفته و از پله ها بالا میاید غفلتا باو نزدیک شده و در کوشش فریاد میکرد و بدین نحو تفریح کرده و خود را مشغول میساخت.

در سامبر ۱۹۰۵ ارنبورک در سنگر بندی ناحیه (پرسیلی) با انقلابیون کمک می کرد و کمی بعد بجرم تشکیل اعتصاب دانشگاهی از (ژیننازیم مسکو) اخراج شد و در واقع آزادی بیشتری برای فعالیت های سیاسی یافت مدتی نیز بعالت بخش بیانه های انقلابی در کارخانه ها توقیف وزندانها شد.

متناقض آن در ناحیه (مسکو وارسک) يك تشکیلات کارگری ایجاد کرده و دو آلیا بتدریس (کاپیتال) اثر کارل ماركس پرداخت.

در ۱۹۰۸ دستگیر و زندانی شد:

«من مدت هشت ماه در چندین زندان بسر بردم. در زندان (باسمان) خسته و کوفته شده و اغلب بر روی زمین دراز کش خوایده بودم و خون قی میکردم. در اعتصابش روز غذا شجاعت تامی بخرج داده و يك قهرمان حقیقی معرفی کردیم در زندان (یوتیرکی) از دست موشها مارك را حس میکردم. ایلیا پس از آنکه بقید کفیل آزاد شد بناچار با (گذرنامه) که داشت روسیه را ترک گفت. از سال ۱۹۰۹ بارها بنقاط مختلف اروپا مسافرت کرد و اغلب روزها را با کرسکی بسر میبرد. اقامتگاهش در پاریس (کافه روتونه) بوده.



ویرا. احضار کرد: «مقالات شهاب بسیار ظالمانه و نادرست است. بیامیخواهیم بغت و شانس شما را بیازمایم». بروید جبهه جنک در آنچاپس از مشاهدات فراوان بطور قطع بنحو دیگری خواهید نگاشت. و این موضوع تا اندازه ای صحیح بود ارنبورک پس از مراجعت بیاریس خوبشتن را از افکار و حالات عرفانی آزادیافت. هنگامیکه خبر انقلاب اکتبر بوی رسید با عجله تامی بکشور خویش بازگشت سر انجام بکیف رسید و شروع بتدریس ادبیات بکار گردان، نظارت در بازبها و مسابقات اطفال و متشکل ساختن گروه های تئاتر نمود. کارد سفید (۱) فعالیت فراوانی کرده و شبها بقتل عام میبرد اکتب ارنبورک بناچار به خارکف گریخت و پس از توقف کوتاهی به (کوکتیل) از نواحی دور افتاده گریه رفت و کودستانی برای اطفال دهاتین ایجاد کرد. کیش مخته از این خانه بان خانه میرفت و همسایگان را مطلع میساخت: «او در محله یهودیان پنهان شده است آنها را رهبری میکنند، شیطانها را بر علیه ما بر میانگیرانند.»

«کودکان علی رغم تنبیهات و جریبه های فراوان بر ایم شپرونان میآوردند و من اغلب صوب را بدون ادویه تهیه میکردم نتوانستم مدت زیادی در آنجا اقامت کنم.»

ارنبورک با قایقی که مخصوص حمل نك بود از کریه گریخت و پس از ۲ هفته توقف در تفلیس اجازه ورود بسکو را گرفت. اما در راه چکا (۲) مدت دو هفته ویرا در توقیف نگه داشتند تا ثابت کرد که از عمال (دوانگل) (۳) نیست.

ارنبورک در مسکو پناهگاه محکم و گرمی در (کانون نویسندگان پرولتاریائی) یافت. سرمای شدیدی بر مسکو حکم فرما بود «من يك پرچم بزرگ سرخ نك را به دور خود بیچانیدم... در زندان چکا از شدت آزار با بخار گرم بسیار ضعیف و لاغر (بقیه در صفحه ۲۶)

فیلمهای کهنه یکی پس از دیگری کنار میروند و فیلمهای جدید بروی پرده سینما آورده میشود بازیکنان قدیمی صحنه سینما را ترک گفته و هنرپیشگان جوان جای آنها را اشغال مینمایند و همینطور ستارگان پیروسالخورده کم کم فراموش شده و از صحنه دور میشوند بجز یکی آنهم چارلی چاپلین

چارلی چاپلین در طی چهار سال هنرپیشگی هنوز نایبه مغلوب نشدنی عالم سینما است با وجودیکه موهایش تمام سپید شده و تا چند هفته دیگر ۶۵ سال تمام خواهد داشت هنوز علامات خستگی در چهره و قلب و روحش آشکار نیست و همین روزها است که روزنامه نگاران موضوع ۸۲ فیلم او را زینت بخش صفحات روزنامه های خود خواهند نمود.

راجع بچارلی نایبه عالم سینما تاکنون مقالات زیادی نوشته شده ولی جزئیات زندگی او هنوز برای اشخاص کمتر معلوم است.

در یکی از شیبهای ماه آوریل سال ۱۹۲۰ بود که چارلی و لوتیس در رستوران اسکندریه برای خاطر زنی (زن اولش میل دراد هاریس) باهم نزاع داشتند رفقای چارلی با او بر سر یک میز نشسته بودند مشاهده نمودند که ابتدا یادداشتهای کوچکی بین آنها ردوبدل شد و سپس هر دو از جای خود بلند شده وارد راهرو شدند و همین جا بود که مشاجر خلی سختی بعلت شرایطی که چارلی بمنزله اساس طلاق برنش پیشنهاد کرده بود بین آنها در گرفته و چاپلین به لوتیس گفت عینک را بردار و فوری سیلی محکمگی بگوش او نواخت لوتیس نیز سیلی را با مشت بصورت چارلی جواب داده و چارلی بزمن خورد.

چارلی در تابستان سال ۱۸۱۸ با میل دراد که در آنوقت ۱۶ ساله و ستاره فیلم لباس عاریه بود آشنا شد - موهای خرمایی و چشمهای آبی رنگ و جذاب میل دراد در اولین نظر قلب چارلی را که آنوقت ۲۹ ساله بود تسخیر نمود و اشتها و جلوه ظاهری او مخصوصاً بیشتر باعث دلباختگی چارلی شد.

و بالاخره بعد از چهار ماه در لوس- آنجلس پنهانی باهم ازدواج نموده و حتی نزدیکترین رفقای خود را از این عمل در تمجب گذاشته.

اما پس از یک هفته ماه عسل در جزیره کتلینا به پایان رسید و با وجود اظهارات بی دردی که همیشه هر دو واجع عشق و زندگی مشترک خود مینمودند نتوانستند سردی علاقه و رفتار خود را نسبت

ترجمه ر - کهن چارلی چاپلین

یکدیگر از نظرها پنهان دارند. در تابستان سال ۱۹۱۹ میل دراد پسری زائید که بعد از سه روز فوت نمود و همان موقع بود که چارلی زن و خانه خود را ترک کرد و رفت.

میل هم از شوهر خود بداد گاه شکایت نمود و تقاضای طلاق نمود. داد گاه چارلی را به پرداخت ۲۵ هزار دلار و قسمتی از اموال غیر منقولش با و محکوم نمود میل بعد از جدایی میگفت «هنوز عشق و علاقه من نسبت بچارلی بی اندازه زیاد است ولی نمیخواهم با مردی که نسبت بن علاقه ندارد بس برم»

چارلی چهار سال بعد از جدا شدنش از میل زن اول خود بازن دیگری بنام لیطاکری ۱۶ ساله ازدواج نمود لیطاکری قبلاً در دوتا از فیلمهای اولیه که خود چارلی آنها را تهیه کرده بود شرکت نمود و چارلی او را خوب میشناخت - چارلی از اینکه لیطاکری هنوز دختری کوچک و بچه بود خیلی رنج میبرد ولی دیری نکشید قانون تعلیمات اجباری از بسار رنج او کاسته و لیطاکری مجبور شد که دوباره وارد مدرسه شده و بکلاس درس بر گردد - لیطاکری در یک موسسه فرهنگی شبانه روزی فرستاده شد و همانجا بود تا وقتی که برای تولد اولین پسرش اسپنسر ۱۹۲۵ بخانه خود برگشت و بعد از ۹ ماه فرزند دومی نیز برای آنها متولد شد

ولی دیری نگذشت که نزاع و کشمکشهایی بین زن و شوهر در گرفت و روز بروز سخت تر شد تا بالاخره این ازدواج نیز بمتارکه انجامید.

لیطاکری با صلاح دید مادرش از چارلی درخواست طلاق نموده و شکایتی در ۲۴ صفحه علیه شوهر خود نوشته از او درخواست ۲۵ میلیون دلار وجه نقد نمود

در موقع جریانات محاکمه لیطاکری روزنامه فروشها هزاران رونوشت از نامه شکواییه خود تهیه نمود و هر کدام را به ۲۵ سنت فروخت - چارلی این عمل لیطاکری را دلیل پول دوستی او تلقی کرده و نسبت بشکایت زنی اعتراض نمود و بالاخره موفق شد این مبلغ را به سه ربع میلیون دلار تخفیف داده و دو فرزند خود را از لیطاکری بدست آورد

اگرچه قضیه طلاق بهین جا خاتمه پذیرفت ولی بحث ازدواج چاپلین اینجا بی پایان نرسیده و بولت ستاره فیلم عصر جدید سومین فرد این فهرست بود - اما این بار طلاق آنها معلول هیچگونه تنفر و انزجاری از طرفین نبود بلکه خیلی مودبانه و مثل دو نفر شخص فهیمه و بزرگ از هم جدا شدند ولی در هر صورت برای یک زندگی پر سعادت

و همیشه با چارلی تقطزن چهارم او را - او نیل موفق شد اگرچه او نا از شوهر خود ۳۶ سال کوچکتر بود ولی ۵ فرزند که در ظرف ۱۰ سال زندگی آرام و بی سروصدا آنها برایشان متولد شد خود بزرگترین شاهد این است که بین آنها کمترین اختلاف عقیده و فکری موجود نیست

قلب و مغز
کمتر کسی مثل چارلی پیشدا میشود که در سن ۶۴ سالگی صفحه تازه ای در زندگی خود باز کند چارلی در فیلم «چراغهای صحنه» میگویی قلب و مغز چه مهمائی هستند

برای اینکه بهتر بمنی این بی بیریم بسال ۱۹۴۷ بر میگردیم دو آنروزها فاکلر چارلی را که پیش از ۳۵ سال است ساکن امریکا است بیگانه خطاب نموده و او را فاقد اصول اخلاق دانسته و طر قداز کونیست معرفی مینماید. همینطور اضافه مینماید که چارلی حتی از پرداخت مالیات های شخصی خود که اینک مبلغ خیلی هنگفتی بالغ شده است ابا مینماید. در این ضمن چون رافکین عضو کنگره امریکا موضوع اخراج چارلی از امریکا را پیشنهاد نموده و متعاقب او دسته های مختلفه دیگر با و حمله نمودند.

شکی نیست که در تاریخچه سینما هنوز چنین واقعه ای سابقه نداشته که یک هنرپیشه از یک طرف مورد انزجار و تنفر عده قرار گرفته و در عین حال مورد محبت و تعجیب مردم بسیار باشد

چاپلین تاکنون بدفتمت بعلت اینکه هنوز تبعیت امریکا را با اینکه بیش از ۳۸ سال است در آن زندگی میکنند قبول نکرده است مورد حمله قرار گرفته است. حتی در همان شبی که فیلم عصر جدید «خود را میخواست بروی پرده بیاورد وقتی از او سؤال شد که چرا نمیخواهد تبعیت امریکا را قبول کند در جواب گفت «اگر روزی از روزها نصیب میگرفتم که تبعه کدام کشوری خواهم شد برای این منظور کشور اندورا کوچکترین کشور دنیارا انتخاب میکردم و وقتی بعد از چند سال دوباره همین سؤال را از او نمودند در جواب گفت

درست است که من مهبان امریکا هستم ولی چه نوع مهبانی مهبانی که ده میلیون دلار مالیات میپردازد.

با همه مخالفتها و حمله های شدیدی که با و میشود بازم نمیتوان درست بروحیه او بی برده و منظورش را درک کرد همینطوری (بقیه در صفحه ۱۹)

«بازگشت بخانه»



... بالاخره پس از ۹۶ روز معلوم شد که مامورین مصری اشتباه کرده بودند و در کشتی اسرائیل «بت کالیم» اسلحه ای وجود نداشته و خلاصه ... و کشتی آزاد شد و ملوانان کشتی بخانه خود بازگشتند.

اهالی اسرائیل بازگشت آنها را بادسته های کل و احساسات وصف نشدنی تبریک گفتند.

یک نفر از مسوانان نذر کرده بود «در بازگشت بخانه اولین دختر سر بازی را که ببینم خواهم بوسید» از قضای کردگار این آقا نذرش را با این سر باز زیبا ادا نمود!



عامل ادای نذر!

صبح بخیر

مارالین - شب بخیر مارالین - ما اولین بهترین شیر مغزی ترین صبحانه - گواراترین نوشیدنی است - مارالین عبارت است از شیر + عصاره مالت + عصاره گوشت + لووردوبیر (مغز آجیو) + قند ش آ - ۱۱۱

در اسرائیل چه میگذرد

نام کتابی است که بزودی بقلم م.ا. نورای منتشر میشود
از مطالعه آن غفلت نفرمائید
ش آ ۱۱۷

بزودی

کتاب «ازدواج و مادری» ترجمه نصیر صداقت بود از طرف دارالترجمه و ایژمن چاپ و منتشر خواهد شد خوانندگان این کتاب بعموم دختران جوان توصیه میشود ش آ ۱۱۸



دومین بر نامه کادر هنر پیشگان

صیون

شاهکار بی نظیر تاریخی و موسیکال بنام

بت شکن

بقلم آقای ابراهیم نصیر تحت نظر آقای دکتر جنتی رئیس دائره نمایشات وزارت فرهنگ بادیدن این نمایش که قطعاً شاهکار نمایش های تاریخی خواهد بود، شما حوادت واقعه در چهار هزار سال قبل را مجسم خواهید دید - به عظمت روح حضرت ابراهیم و بقدرت لایزال توحید و یکتا پرستی بی خواهید برد.

روز شنبه ۳۰ بهمن ۳۳

روزی است که اگر برای شما بادیدن برنامه بت شکن توام باشد در زندگی فراموش نخواهد شد بخاطر بسیارید:

روز شنبه ۳۰ بهمن - نمایشی مهیج بت شکن بوسیله کادر هنر پیشگان صیون - در سالن مجلل جامعه بار بند (قادر ملی) اول خیابان لاله زار

فراموش نفرمائید که بیش از ۵۰ نفر طی دو سال برای روی پرده آوردن نمایشنامه بت شکن کار کرده و مبلغ هنگفتی خرج نموده اند تا دورها وابسته مخصوص برابر استیل زمان آماده شود

بت شکن در دو ساعت و ۵۷ دقیقه بعد از ظهر اجرا خواهد شد بت شکن همراه با صحنه های موسیقی و رقص های شرقی بت شکن یا غوغای تاریخ ش آ ۱۰۸

شعرا و ادب
از: رهی معیری
سوختن



آقدر با آتش دل ساختم ، تا سوختم !
بی توای آرام جان! یا ساختم یا سوختم !
بای تا سرنامزم ؛ ای شمع بزم آفر و غیر !
بی تو چون شمع سحر گاهی سراپا سوختم !
آتشم بر جان و بر لب خنده بود ، از شرم غیر !
بی تو ای گل ، گاه پنهان ، گاه پیدا ، سوختم !
سرد مهری بین که کس بر آتشم آبی نزد !
گر چه همچون شمع از گرمی بهر جا سوختم !
سوختم امانه چون شمع طرب درین جمع
لاهام ، کز داغ تنهایی بصحرا سوختم ،
همچو آن شمع که آفرورد پیش آفتاب
سوختم در پیش مهر و یان و ، بیجا سوختم !
سوختم از آتش دل ، در میان موج اشک
شور بختی بین که در آغوش دریا سوختم !
شمع و گل هم هر کدام از شعله ای در آتشند
در میان پاکبازان ، من نه تنها سوختم !
جان پاک من در هی « خورد شد » عالتاب بود
رفتم و از ماتم خود عالمی را سوختم !

اثر سرباز

بیاعت اگر زلف سوزان نیشد
بیازار مشک تر از آن نی شد
نی شد اگر زلف تو حلقه حلقه
بهر حلقه جمعی بریشان نیشد
نی کردا گر چشم مست تو مستی
بیازار نرکس فراوان نی شد
نبودی اگر روی چون آفتاب
قمر در پس آبر پنهان نی شد
نیسویدم از من بفصل بهاران
لبان تو چون غنچه خندان نیشد
اگر خضر بی دو دهانت نبردی
روان از بی آبیوان نی شد
نی شد اگر موی تو دام دلها
بکوی تو عاشق فراوان نی شد
(پسر باز) اگر لطف عامت نبودی
کلامش زایران به تودان نیشد

نفاق

فرخی یزدی
همین بس است ز آزادگی نشانه ما
که زیر بار فلک هم نرفت شانه ما
میان این همه مرغان بسته پر ، ما بیم
که داده چور تو بر باد آشیانه ما
بکنج دل ، زغم دوست ، کنجهاداریم
تهی مباد از این کنجه خزان ما
در این وزیر و روکیل ، ای خدا اثر نکند
فغان صبحدم و ناله شبانه ما
برای معوتوای کشور خراب ، بس است
همین نفاق که افتاده در میانه ما

« مولوی »

علم رسمی سربس قیل است و قال
نه از او کیفیت حاصل نه حال
علم نبود غیر علم عاشقی
ما بقی تبلیس ابلیس شقی
هر کرا در سر نباشد عشق یار
بهر او افسار و پالانی بیار

اثر - دکتر همایون
گردی نگر دی

درد هجران مرا جانا دوا کردی نگر دی
رحم بر حال دل زارم روا کردی نگر دی
شرمگین از آه سوزان دلم گشتی نکشتی
پر دو چشم خوششانم اعتنا کردی نگر دی
روی از اغیار ای زیبایم بستی نستی
راه را بر عاشقان خویش واکردی نگر دی
هدبستی بامن و بایند آن بودی نبودی
ای چقا پیشه بهمد خود وفا کردی نگر دی
همنشین غیری و راه مرا دادی نگر دی
عزم صلح و آشتی با آشنا کردی نگر دی
بوسه ای از آن لب لعنت بیادادی نگر دی
چین های زلف پر چین جابجا کردی نگر دی
بر سر بالین بیمار غمت رفتی نگر دی
بر سشی از کشته عشقت بنا کردی نگر دی
گرداننده والم از چهره اش رفتی نگر دی
خاطر رنجور بیامی رضا کردی نگر دی
با وجود این (همایون) دل از او کندی نکندی
غیر دلبر یاد دیگر دار با کردی نگر دی

« صیوحی »

گره مزین سر زلف دو تا یکدیگر
که هیچکس نزند مار را بار گره
گره زدی سر زلف و دلم ز ناله فناد
فتد ز نغمه چو افتد بسیم تار گره

عالم یهود



ترجمه - بی بی یان از: راحل

« نسیم آزادی »
چه زیباست نسیم نوازش کری
که از پنجره اطلاق من بدرود میاید
چه دلنشین است صدای بر مرغانی که
بازادی پروری تپه های می نشینند و نغمه
سر میدهند.
چه زیباست پرواز کبوتران
صحرائی ... و چه خوش است بازگشت
مرغان باشیانه خویش
ای ... خوش آن لحظه که دلهای
مشتاق و آرزومند بهم میرسند
و ای خوش آن زمان که
مادری فرزند گمشده خود را در آغوش
میکشد

چه زیباست رقص آزادی بر غفلت
های گذشته
زیباتر از همه ترانه بریدن زنجیر
های بندگی ...
ومن ... امشب بیاد تو ... بغاطر
تو پنجره اطاقم را باز گذاشته ام تا شاید
نسیم پیاپی از تو بیاورد. آوای گنگ
و مبهم نسیم تلخی های گذشته را بیاد
میاورد .
تنها امید، امید آزادی برایم مانده
است بغاطر این امید هر شب پنجره
اطاقم را باز میگذارم تا توای نسیم
آزادی بدرود آئی

اوحدی مراغه

ز شرم روی تو در باغ وقت گل چین
گل آب گردد و از دست باغبان بیچکد
ز حسرت رخت ای آفتاب در هر صبح
ستاره خون شود از چشم آسمان بیچکد

آرزوی شاعره

شدیم خاک دمت گر بدرود مانرسی
چنان رویم که دیگر بگردمانرسی

عنوان ها

یهودیان در جهان

خواننده یهودی مجارستانی

خانم روزی بارشونی خواننده و هنرمند مشهور یهودی مجارستان که در موقع شروع جنگ اخیر مجارستان را ترک نموده بود اخیراً برای شرکت در برنامه های هنری با اسرائیل آمده - قبل از جنگ که وی در مجارستان بوده فوق العاده مشهور بوده و سپس در ممالک اروپا در تئاتر ها و در برنامه های رادیو تلویزیون شرکت مینمود در اسرائیل در برنامه های خود با تفاق هنرمندان محلی به هفت زبان آواز خواهد خواند

یهودیان ارژانتین

دکتر هرام بلوم راب اعظم یهودیان ارژانتین هفته قبل در سفارت ارژانتین در تل آویو مطالب زیر را در اختیار روزنامه نگاران گذاشت :
عدم یهودیان ارژانتین صیونیت بوده و قسمت بزرگی از جوانان خود را برای مهاجرت با اسرائیل آماده میکنند در ارژانتین کتب و روزنامه های زیادی بزبان ییدیش منتشر میشود وعده زیادی زبان عبری را یاد میگیرند دولت ارژانتین متنها درجه کمک و مساعدت را به جامعه یهودیان می کند .

در دانشگاه بوئنوس آیرس يك دانشکده مخصوص علوم یهودی ایجاد شده که در آن ۲۰۰ دانشجوی یهودی و ۴۰۰ دانشجوی غیر یهودی تحصیل میکنند ریاست این دانشکده بادکتر بلوم راب اعظم است و نامبرده برای همین امر و مطالعه کار با اسرائیل آمده است

در مراکش

وضع امنیت ممالک شمال افریقا از نظر یهودیان فوق العاده اسباب نگرانی است اخیراً در مراکش حمله بمراکش - یهودی زیاد شده در یک حمله تروریست ها بیک مرکز یهودی که در آن نارنجک پرتاب نمودند ۱۴ نفر از یهودیان زخمی شدند وضع ناگوار یهودیان در آن منطقه اکنون توجه سازمانهای یهودی را بخود جلب نموده است

در مصر

عده زیادی از یهودیان مصر بمنوا این بوج و باطل هنوز در زندانها بسر میبرند و دادستانها در معاکمات نظامی برای آنها تقاضای اهدام میکنند دو نفر از این اشخاص را در زندان کشته یافته اند پس از مرگ یکی

عالم یهود

محاكمه علیه آنتی سمی تیسیم در ترکیه

مقامات قضائی ترکیه در شهر - (چانکالا) ناشر روزنامه « آنا بار تالار » را بخاطر دو مقاله ضد یهودی که نوشته بود به محاکمه دعوت کرده اند ربانوت ترکیه وانجین کلیسای بخاطر دو مقاله فوق از نامبرده شکایت کرده بودند و مقامات قضائی باشکایت آنها موافق بودند نیویورک تایمز ویهودیان تونس نیویورک تایمز روزنامه مشهور - امریکائی در شماره های اخیر خود مینویسد جریانات اخیر تونس باعث خواهد شد که مهاجرت دسته جمعی یهودیان تشدید شود - امروز یهودیان تونس اسرائیل را پناهگاه خود میدانند ولی مهاجرت آنها قطعاً به اقتصاد تونس لطمه شدید وارد خواهد ساخت

یادداشت فرمائید

بهترین و مطمئن ترین محل برای یاد گرفتن فن ظریف ماشین نویسی فارسی ولاتین بنده تازه - ماشین نویسی ربانی اواسط خیابان شاه آباد تلفن ۳۷۱۳۵

جوایز سال جاری صندوق پس انداز ملی به شش میلیون ریال بالغ گردیده است

در قرعه کشی های پانزده ساله صندوق پس انداز ملی بیش از ۱۱۵۰۰۰ نفر به دریافت متجاوز از ۳۱۶۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه موفق گردیده اند که قریب ۶۰۰ نفر از آنها جوایز از ۱۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریالی برده اند بدیهی است که با اصابت جوایز مزبور آرزوهای دور و دراز عده زیادی از آنها بر آورده شده و خانواده هایی از فقر و مسکنت رهایی یافته و آتیه آنها تأمین یافته است

اگر شما هم مایلید که در قرعه کشی سال جاری شرکت نموده و از ۶۶۰۰۰۰۰۰ ریال جایزه مزبور که بجوایز ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریالی

و ۲۵۰۰۰۰۰۰ ریالی و ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریالی و ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریالی

و ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی و ۱۰۰۰۰۰۰ ریالی و ۱۰۰۰۰۰۰ ریالی

تقسیم شده است بهره مند شوید قبل از پایان سال جاری در اداره مرکزی صندوق پس انداز ملی ویاییکی از شعبه ها نمایندگیها و پاجه های بانک ملی ایران برای خود فرزندانتان نامبلغ یکصد ریال (که حداقل شرکت در قرعه کشی است) حساب پس انداز باز نمایند.

ضمناً چنانچه در ساعت اداری صبحها مجال مراجعه بیانکارا ندارید ممکن است بپاجه عصرهای اداره مرکزی صندوق پس انداز ملی واقع در خیابان فردوسی که همه روزه یاستثنای ایام تعطیل از ساعت چهار تا شش و نیم بعد از ظهر برای افتتاح حسابهای جدید و دریافت وجوه پس انداز مرکز و شهرستانها مفتوح میباشد مراجعه فرمائید.

ش آ - ۱۱۰

نظر انشیتین و کاوشهای اتمی در اسرائیل

«اگر مجدداً جوان میشدم و لازم میآمد تصمیم بگیرم از چه راهی زندگی خود را ادامه کنم قطعاً کوشش نمی‌کردم عالم یا دانشمند باشم بلکه سعی می‌نمودم لوله کشی یادوه کردی پیشه گیرم باین امید که از همان حد اقل استقلال موجود که در شرایط کنونی وجود دارد بهره‌مند گردم»

انشیتین

«اسرائیل در صورتی میتواند در مبارزه مشکل خود پیروز شود که موفق گردد در قلب نسل جوان خویش نیروهای فکری و تخصص علمی را در زمینه صنعت توسعه دهد...»

«اسرائیل تنها مکانی در عالم است که در آنجا برای یهودیان امکان استقرار و تحکیم حیات اجتماعی بر حسب ایده آلیزم و سنن یهودی وجود دارد»

«این واقعیت که اسرائیل هم ظرفیت یافته خدمت کوچکی در حصول بهره برداری از انرژی اتمی یعنی نیروی که قیافه تمدن جهان را تغییر میدهد انجام دهد بدون شك احترام و مقام اسرائیل را بالا خواهد برد»

پروفیسور برگمن - رئیس کمیته انرژی اتمی اسرائیل

کله شکایت آمیزی که اخیراً درباره موقیبت علما و دانشمندان بر زبان پروفیسور انشیتین جاری شد مبین حقیقت ناگوار است باید دید چطور شده که علما و دانشمندان که بنا بر معلومات و طبع خود باید پیشرو و پیشقدم و راهنمای تمدن بشری و خیر و صلاح بشریت باشند در زمره نیروهای ذخیره و تحت استیلای دستگاههای اداری و سیاسی کشورها در آمده و بنام حفظ منافع ملی یا حفظ منافع پرولتاریا در خدمت این دستگاهها در آمده اند

این دلیل را باید در تضاد پیشرفت سریع تکنولوژی بزرگ عهد معاصر یا پیشرفت دموکراسی دانست باین معنی ترقی و توسعه صنایع و تکنیک با سرعت دموکراسی نودن اجتماع و محتویات آن خیلی فرق داشته و از آن کمتر بوده است علم برای کشورهای بزرگ و وسایل فنی عظیمی را (نه نهاد امور نظامی و انتظامی بلکه حتی در زمینه وسایل رادیویی- مطبوعات و غیره) ایجاد نموده همین وسایل عظیم و کبیر برای دستگاههای اداری و سیاسی بمنزله بهترین آلات تسلط و فرمانروایی بر اتباع و مردم و بخصوص خود علما و دانشمندان بکار افتاده و درست مصداق این جمله شده که میگوید «بلند گو صدای سخن کو را خفه میکنند»

ولی باین احوال باید گفت که خط سیر ترقی و پیشرفت علم هم بخودی خود در این امر مهم کتری ندارد باین معنی که علما و دانشمندان با سننهای بعضی از بر- جستگان انگشت شمارشان و از جمله پرو- فسور انشیتین آن عالم بشر دوست بزرگ در جاده خطرناک تخصیص مطلق علمی قدم برداشته اند و با اصطلاح مشهور عبری «از کثرت و تراکم درختان، جنگل را اندینند» مسئله اجتماع و تمدن را بکلی فراموش کردند آنها خود را از دنیای سیاست کنار کشیدند و خیال کردند بدین وسیله بالاتر از منافع طبقاتی- سیاسی و ایدئولوژی

و غیره قرار گرفته اند آنها در میانفکران در عمل و بدون آنکه بدانند در حلقه استشار جماعت مخصوص در آمده اند که شاید محبوبترین دسته های ملت نباشند آنها با تجزیه علم از معنویات و اخلاق و سنت خطر بزرگی را بر سر نوشت علم و معنویات با هم چیره ساختند...

علم و معنویات و سنت بشری از منبع واحدی آبیاری میشوند: منبع فیض آنها علاقه به حقیقت و دوستی اجتماع و عشق شدید به دسترسی کامل و تسلط بر طبیعت است تا بسدان وسیله حیات بشری بهتر و زیاتر شود علم و معنویات هر دو کوشش دارند فضا و افق بازتری برای بشر بیابند و نفهمی و شکستگی روح را شکست دهند تجربه علم از معنویات از علائم تطول کشنده است که نتیجه تسلط «وسيله کار» بر اصل هدف است این رویه خواهی نخواهی ضررش متوجه خود علم هم خواهد شد و از قدرت کمک علم به ترقی و تکامل بشریت خواهد کاست زیرا دوا و پیشرفت عاقلانه علم مستلزم شرایطی است که از آن جمله باید: - بحقیقت مطلق و غیر وابسته همکاری مشترک و دسته جمعی علما - آزادی وجدان یک نوع حس علاقه بین المللی و جهانی و غیره را نام برد

علما در اجتماع سیاستمداران کمک کردند که معنویات و مسائل اجتماع را به دست گیرند و حالاً سیاستمداران از بروز عقیده آزاد آنان جلوگیری میکنند و همینکه وجدان این دانشمندان بیدار شد و خواستند بجنبند سر خودشان بدیوار اتمی کوفته میشوند نه این مثل را باید پروفیسور زوبرت اوینها باین دانست و از امثال او در دنیای شرق هم بی خبری می که در بدست آوردن نیروی عظیم اتمی سهم بزرگی داشت شهادت آنرا یافت که قبل از ساختن بمب و حشمتك هبدرژن برای خیر و صلاح بشریت اظهار عقیده ای کنند و متعاقب آن از کاربرد کنار شود امروز علما ی بسیاری

نظر انشیتین

(بقیه از صفحه ۱۰)

خدمت با آمریکا و بشریت نمیتواند برای یهودیان آن تکیه گاه محکمی باشد ... در اینجا ما وارد تحقیق مفصلتری در دنیایی که بدو قسمت تقسیم شده نیشویم فقط میدانیم که در هر جا يك فورمول برای تعیین درجه امانت و وفاداری «سیاسی» برای یهودی وجود دارد و این «گمان و شك و سوءظن سیاسی و عدم اطمینان به یهودی» در تحقیقات و علوم گه امروز متأسفانه تمام آنها جنبه «سری» بخود گرفته اند تا کجا دامنه دار و معلوم نیست زیرا در بلوک کونیست یهودی مورد سوء ظن «کوسو پولیتسیم و صیویستیم و غیره» قرار میگیرند و در دنیای آزاد ماهم متهم به «وفاداری دو جانبه و کونیسم و امثال آن» میشود اما ما خود میدانیم که نزد مسئولین این اتهام «عدم وفاداری» در «یهودیت» یهودی بوده و خواهد بود و این هم صحیح است زیرا دانشمند یهودی که در هر صورت توشه ای از میراث پیامبران و انبیا و علمای سابق اسرائیل دارد ایمان و علم و وجدان خود را در باره خیر و صلاح بشریت با آسانی بیست های متضاد نمی فروشد

مرکز روحانی

بنا بر این موقع آن فرادیده که علما و دانشمندان یهودی از اقطار جهان در اسرائیل جمع شوند و بقول انشیتین «حیات اجتماعی خود را بر حسب دیده آلیزم و سنت یهودی بنا کنند» اسرائیل کوچک است اما از لحاظ نظام دموکراسی و پیشقدمی اجتماعی لیاقت آنرا دارد که ممالک خیلی بزرگ تر را پشت سر بگذارد در حالیکه از دایره نفوذ استراتژی نیروهای بزرگ خارج است میتواند آزادی بیشتری برای وجدان و عقیده بدانشمند بدهد تا عالم و دانشمند بتواند با قلب پاک و آزاد در راه پیشرفت علم نه تنها برای خیر و صلاح ملت اسرائیلی بلکه برای سعادت سایر ملل قدم بردارد . علمای یهودی در جهان بایستار احتیاج دارند و اسرائیل هم بدانها محتاج است در آنجا دانشمندان جوان یهودی که بعلل سوءظنهای پیشگفته در پشت در توانایی و ظرفیت خود را بدون اینکه گرفتار سوءظن یا فشار باشند و بدون آنکه وابسته برحم و شفقت و مرامم اکثریت های ملی یا اشخاص ضد یهود علنی یا باطنی و غیره باشند برای پیشرفت بکار اندازند . در دنیا هیچ کشوری مثل اسرائیل

وجود ندارد که موظف باشد «خیلی» از «تقریباً هیچ» حاصل کند در آنجا آینه در دست پیشقدمان و حلومصم کار و علم سپرده شده تا برای آن منابع رزق و روزی و زمینه های جدید اجتماع فراهم و ایجاد کنند برای اینکه اسرائیل با استقلال اقتصادی نائل شود قبل از همه باید منابع انرژی مخصوص خویش تهیه نماید و چون ذغال و چوب وجود ندارد و نفت هم هنوز بدست نیامده مجبور است دائماً بگوید تا به انرژی عظیم اتم نائل آید البته این موضوع سالها طول میکشد ولی هر چه زود تر شروع کند بهتر است دو عامل اساسی انرژی اتمی یعنی اورانیوم و «آب سنگین» در آنجا بدست آمده و حتی حصول توانایی و ظرفیت صنعتی و علمی لازم هم غیر ممکن نیست و در اینجا ترکز نیوگ بر آورنده یهودی جهان در آنجا این تقیصه هم بر طرف میشود، اعلامیه دکتر برگمن رئیس کمیته انرژی اتمی اسرائیل باید برای اجتماع یهودیان در اسرائیل و کالوت بمنزله راهنمایی باشد



هینس: شیر تمام چرب
هینس: شیر کم چرب
هینس: مخصوص رشد کودکان
هینس: برای تغذیه نوزادان و شیرده
هینس: همیشه همراهِ ما برای همه

مرکز بخش: دارویی دکس - ناصر خسرو
تلفن ۳۳۹۳۸ - ۳۳۹۳۸
فروش: خواربار فروشیها و داروخانه ها
ش ۶۸

ولگرد پیر

از: پرائزه شاعر و نویسنده فرانسوی
در این کودال بزندگی خاتمه میدهم،
من پیری را با خستگی و درماندگی پایان
میرسانم - عابرین میگردند و میگویند:
اوست است
بهر، دیگر از دلوسوی و ترجمه آنها
رسته ام من آنها را که بسویم بر میگردند
می بینم! دیگران چند شاهی جلوم می
افکنند.

زود، زود، بدوید بدنبال خوشی
و شادمانی، من بدون شما هم میتوانم بپریم،
من امیدوار بودم که در دهام را در
بیمارستان ها درمان بخشند، اما همه آنها،
تمام بیمارستان ها پر شده است، وای که
تیره روزان چه بسیارند، افسوس تنها
کوچه پرستاریم راهمده گرفت.

ولگرد پیر، در زمان گناه خود بپیر!
در دوران جوانی خود بارها بصنعتگران
کفتم که بن کاری بیاموزید، ولی آنها
هر بار بن پاسخ دادند: برو، ما کاری
نداریم ... برو گدای کن.

ای سرمایه دارانی که بن میگفتید
کارکن، من همواره با استخوانهای غذا
های شما خود را سیر کرده ام و روی گاه
طوبله های شما بخواب رفته ام.
برای درمانده ای چون من دزدی
اشکالی نداشت اما نه! باید حتی دست
کدای بسوی مردم برد، تنها گاهی از
درختان کنار جاده چند سیبی ربوده ام،
ولی بیست بار بغض این کار بزند انسم
افکنندند. ولگرد تنها سرمایه اش اشعه
خورشید بوده است.

آیا برای فقیر و درمانده هم
وطن هست؟
من از شراب ها و کندهماتان چه
سودی برده ام با این همه هنگامی که
بیکانگان در میهن بی دفاعتان کام مینهادند
و خوشی هامیکردند، من اشک هار بخته ام...

دارلتر جمه و ایز من
نامه ها و کاتالوک های شاد را باقیمت
فوق العاده نازلی ترجمه و ماشین مینماید
ناصر خسرو تلفن ۳۶۲۲۳
ش آ ۹۵

خمیر دندان

طبی و ضد پوره مؤثر و ارزان
و معروف سانوژیل است
ش آ - ۱۱۲

همه چیز بنظر من عادی و در عین حال عجیب و شگفت انگیز جلوه میکرد تصور میکردم این حالت برای تمام دخترهایی که بعد از ازدواج دوباره بمنزل پدرشان بر میگرددند وجود دارد.

در یکسال قبل خوشبختی من بستنها درجه رسیده بود در یک ویلا دور افتاده با جورج شوهرم زندگی میکردم زندگی ما معجونی از لطف و صفا بود افسوس که این زندگی دیری نپایید و جورج فوت کرد.

ضربه مہیبی که از فوت جورج بمن وارد شد یاس و نا امیدي مثل يك طوفان وحشتناكي مرا در خود فرو میبرد بگذشته فکر میکردم که صدای مادرم مرا بخود آورد او خبر داد که شام حاضر است و با این خبر مثل اینکه سالهای فراموش شده سالهای که من در خانه با پدر و مادرم زندگی می کردم جان میگرفتند مثل اینکه من هرگز خانه را ترک نکرده بودم پدرم دستهای چروک خورده اش را میان موهای خاکستریش فرو برده بود و میگفت راجع ببعادتهای که برای جورج اتفاق افتاده است صحبت کافی است بهوضوح دیگری بیردازیم گویا نمیخواست مرا ناراحت کند میگفت «افی» خیلی خوب شد که دوباره بهلو ما آمدی و من ترا در خانه مبینم هیچ باور نمیکنم که جورج برای همیشه از ما جدا شده است تنها يك بی دقتی باعث يك چنین بدبختی شده است.

من از روی سندی تکان خوردم و در حالیکه بنفش گلوریم را گرفته بود گفتم چه فایده دارد درباره این موضوع صحبت کنیم اگر بی دقتی و اشتباه فردی باعث قتل جورج شده است صحبت و بحث درباره آن هرگز جورج را با ما باز نمیگرداند زیرا اداره ای که جورج در آن مشغول کار بوده است هنوز تحقیقات خود را ادامه میدهد.

اما پدرم ساکت نمیشد میگفت نه همه میدانند که جورج کشته شده میفهمی همه میگویند ... نگاه مادرم او را ساکت کرد مادرم میفهمید که من از یادآوری خاطرات گذشته رنج می برم بستنی پدرم فهماند که باید مرا تنها بگذارند در آستانه درسی سه ساله ام با لبخند شیرینی رو بروی من ایستاده بود سرعت بطرف من آمد و خودش را در بغل انداخت قلبم بشدت می زد او را بوسیدم چشمان آبی رنگش به جورج شباهت داشت فکر میکردم مثل همیشه میخواهد پرسد که کی پدرش بر میگردد اولی میخواست باور کند که هرگز روی پدرش را نخواهد دید.

چشمانم از اشک پر شد پسر «داوید»

را روی سندی نشاندم برای يك لحظه خودم را با جورج در ویلاي زیبایی که در آن زندگی میکردیم مشاهده کردم خیال می کردم خیال سعادت را که از چنگال من گریخته بود فکر منزلی را که بعد از مردن جورج بقیمت ارزانی فروخته بودم یاد میآمد روزی که ساختمان ویلا تمام شد جورج مرا بتماشای آن برد و تاشهر يك ساعت و نیم راه بود هنگامی که آنرا بن نشان میداد گفت «افی» اینجا مثل دنیای دیگری است دنیای خارج از دنیای پسر سرو صدا و هیجان در اینجا مسا میتوانم ماهی گیری قایق رانی و تفریح کنیم ...

اشک را از چشمم پاک کردم نمیخواستم داوید گریه ام را ببیند من برای او هم مادر و هم پدر بودم جورج راحت شده بود او مرده بود دیگر احساساتی نداشت روز های گذشته خاطرات اذیت و رفته را بیاد نمی آورد برای کسی غصه نمیخورد امان زن بدبختی بودم که روی لاشه روزهایی مرده و خاطرات دفن شده زندگی میکردم. باخود میگفتم که اگر جورج ببرک طبیعی مرده بود شاید عذاب و رنج من کمتر بود شاید شبها كابوس وحشتناکی که تا سحر گریبانم را میگرفت مرا آزاد می گذاشت شاید قربادی که بخاطر فرار از دست این كابوس عجیب می کشیدم اینقدر وحشت انگیز نبود.

در چنین رویاهایی من جورج را به صورت يك فلز گذاشته شده ای میدیدم که قطعه قطعه می شود فریاد میکند و منم دارم تماشا میکنم ... و فریاد میزنم مادرم معتقد بود که مرور زمان همین زمان گذرانی که روی همه چیز گذرد فراموشی میریزد بین كك خواهد کرد که گذشته را از یاد ببرم وقتی تابستان گذشت و بدنبال آن پاییز و زمستان هم سپری شد کمی احساس راحتی کردم بهار با همه زیباییها و طنازیهایش با انسان زندگی دوباره میداد من هر روز صبح بشرکتی که در آن استخدام شده بودم میرفتم و در بازگشت از اداره برای داوید اسباب بازی یا مقداری از لوازم مورد احتیاج منزل را خریداری میکردم یکشب که از منازحه خواهر یار فروشی نزد يك منزلان مایحتاج منزل را خریدم و بوساطه دیر شدن وقت آنها را بستند در کیف خریدم جا بجا میکردم وقتی میخواستم از منازحه خارج شوم يك مردی بعجله کنارم آمد و گفت ببخشید خانم مثل اینکه بسته چای مرا اشتباهی توی کیف خودتان گذاشتید برسدی گفتم اطمینان دارم که چیز اشیاء

خودم چیزی برداشته ام سرش را پایین انداخت با يك نگاه تشخصی دادم که وی از مرد هسانی نیست که بخواهد باعت آزاد دیگران شود و بدین وسیله باب آشنایی را با دیگران کند.

با يك نگاه محتویات کیفم را زیر و رو کردم بسته چای او آنجا بود هر دو خندیدیم خنده اش مثل آفتابی بود که سر از ابر در آورد نگاهش نوید

زندگی میداد خیلی وقت بود که از تهل نغندیده بودم وقتی خنده ها تمام شد گفت این طرز آشنایی با



شب استرس دجی

نمیداد گذشته بر این هنوز این مرد برای من غریبه بود و من ایش را وقتی بمنزل بر گشتم کنار درب بزرگ خانه از من خدا حافظی کرد و در حالی که دستش را تکان میداد گفت خیلی خوش حالم که شما چای مرا اشتباها بر داشتید ما شین سرعت دور شد و من به خانه برگشتم معذالك نام مردی را که با او برگردش رفته بودم نمی دانستم ولی میدانستم که باز هم وی را ملاقات میکنم.

مادرم دستش را روی شانه من گذاشت گفت افی امشب خوشحال بنظر میرسی گونه های مثل گلهای سرخ جلوه میکند سرم را پایین انداختم وقتی باطابق خودم رفتم به آینه نگاه کردم مادرم راست میگفت خوشگل شده بودم «داوید» بعجله بهلویم آمد و گفت مادرجان که مرا بکنار دریاچه میبری که قایم را با آب بیانه نامز طفلك پدرش را اذیت داده بود او هر یکشنبه داوید را بکنار دریاچه میبرد و اکنون این وظیفه بمهده من بود باوقول دادم که روز یکشنبه او را خواهم بردنی دانم چرا یکدفعه صورت مردناشناسی که با تو میبیل مرا کتم آورده بود دومنم نقش بست مردی که فکر می کنم برای داوید يك دوست خوبی خواهد بود.

روز یکشنبه عصر برای خرید کفش ازخانه خارج شدم در حالی که مشغول تماشای ویتترین منازحه بودم احساس کردم که کسی پشت سرم ایستاده است وقتی برگشتم مردناشناس را دیدم گفت آن کفتی را

که نگاه میکنید و میخواهید بخرید خیلی قشك است تمجب کردم چگونه فهمید که من کدام کفش را انتخاب کرده ام مرا به داخل منازحه برد و هنگامی که ما منازحه را ترک میکردیم من صاحب يك جفت کفش زیبا شده بودم وی گفت که مرا کم کرده بود و چندروز پشت سرم در خیابانی که محل کار من بوده است مرتباً رفت و آمد میکرده است بامیدی که مرا ببیند تا امروز موفق بدیدنم گشته است.

از من تقاضا کرد که بهاسم بسینا برویم نمیخواستم با او بگویم که از هنگام مردن جورج تا کنون بسینا نرفته ام تقاضایش را نمیدانم روی چه اصلی قبول نمودم هنگامی که داخل بسینا میشدیم گفتم هنوز من نام شما را نمیدانم بسا لبخندی گفت.

نام من دريك است منم خودم را معرفی کردم میگفت ۲۷ سال دارم پس در تمام مدت فیلم بی اختیار سرم را روی شانه او گذاشته بودم احساسات خفته ام بیدار شده بود پس از اتمام فیلم بگافه ای رفتم و بیا کندی خاطر خوشی بمنزل بر گشتم باچشمایش با من وداع کرد و گفت افی بزودی ترا ببینم باو وعده نهار فردا را دادم قرار گذاشتیم که فردا ساعت ۱۰ در بمنزل ما بیاید بدون آنکه مرا ببوسد خدا حافظی کرد و رفت.

صبح فردا بهادرم گفتم که برای نهار مهمان دارم و آنچه که توانستم از صفات و سجاایای وی شرح دادم مادرم اظهار خوشحالی کرد چند ساعت بعد چشمان من توی باغ عقب دريك میگشتم نمیدانم چرا شیخ جورج در اینوقت در جلوی چشمانم نقش بست جورج گویا آمده بود تا برای آخرین بار نگاه سرزنش آمیز خودزن جفاکارش را عذاب دهد ... اما نه جورج مرده بود من خیال میکردم.

وقتی دريك آمد يك قایق كوچك برای داوید خریده بود داوید از این هدیه خیلی خوشش آمد و با دريك مشغول صحبت کردن شد.

سر میز نهار پدرم شغل دريك را پرسید وی گفت که در مزرعه کار میکند او در مزرعه جورج کار میکرد چشمانم پسر از اشک شد بسادگی گفتم جورج هم در آن مزرعه کار میکرد و در اثر يك حادثه بقتل رسید دريك با هستگی گفت بله من میدانم مثل اینکه چشمانش میخواست بمن اطلاعات بیشتری بدهد یا شاید در درو نش يك کتمکش و تقلاي بین عشق و وجدان وجود داشت خوشبختانه موضوع صحبت عوض شد و شب

وقتی من و دريك با داوید بکنار دریاچه رفتیم داوید قایقش را میان دریاچه انداخت من و دريك در کنار هم ایستاده بودیم لب های دريك بی اختیار روی گیسوان من افتاد گویا او عشق و حیات را در میان گیسوان طلائی من جستجو میکرد نگاه های او التماس آمیز و پر از رنج و غم بود باآرامی گفت افی من خیلی بچه تورا دوست دارم میفهمی در آهنگ صدایش این رنج و غم ناراحت کننده ای شنیده میشد.

هفته بعد هر شب من با دريك بودم وی مرا با ماشین از محل کار بمنزل میرساند در آن هفته من همه چیز را فراموش کرده بودم بجز اینکه من هنوز یکزن جوان هستم و باید از زندگی بعد کافی استفاده کنم. من با دريك مثل جورج رفتار می کردم اصلا بجز دريك کسی توی دنیا برای من وجود نداشت اگر میشد همه چیز را نوشت آنوقت من میتوانستم احساساتی را که در موقع برخورد با دريك داشتم شرح بدهم در آن شب وقتی مادر اطراف (بله اون) جانی که ویلاي سابق ما در آن قرار داشت با ماشین گردش میکردیم من از یادآوری وقایع و خاطرات سابق سخت ناراحت شدم سرم را بروی شانه دريك گذاشتم با وی درباره ویلاي که جورج برایم ساخته بود صحبت کردم دل میخواست دريك مرا در آغوش بفشارد و گذشته های مرده را زنده نماید اما وی باز آتی گونه ام را بوسید و گفت افی تنها بعشق ایمان داشته باشید من میتوانم عشق را با تمام قلبم بتو تقدیم کنم چشمانش بر از اشک شد و ناگهان گفت افی دیر شده بیا از اینجا برویم گفتم فردا شب را فراموش نکن در حالیکه سعی میکرد خون سردی خود را حفظ کند گفت مطمئن باش.

فردا شب پس فردا شب يك هفته گذشت هر شب در انتظار دريك بودم همه جا را بدنبالش گشتم بی او يك لحظه نمیتوانستم زندگی کنم یکشب در حدود ساعت ده وقتی خوابیده بودند من در اطاق خودم نشسته بودم زنگ در صدا درآمد وقتی آنرا باز کردم دريك رو برویم ایستاده بود.

بنظر خیلی پیر میرسید صورتش چین انداخته بود کتفش را گرفتم و او را روی سندی نشاندم اما دريك از نشستن امتناع کرد و توی اطاق بدم زدن پرداخت بکنار پنجره رفت و دوباره بسوی من برگشت و فریاد زد. (بقیه در صفحه ۲۱)

در نیه راه قبرستان پسرکی یتیم آهسته گام برمیداشت. کسی نبود از او بپرسد کجایم روی چرا افسرده ای. بچه چیز میانیدی کسی نبود بر دل ریش مرهم نهد یا داوری علاج دل ماتزده اش را نشان دهد. سکوت حکمفرما بود باد گاهی ریک بیابانرا از محلی ب محلی سوق میداد. در چند قدمی پسرک کورستانی دیده میشد که آرامگاه هزارها نفر منجمله عزیزترین کسان او یعنی پدرش بود چشم که بر قبر پدر افکنده ناله ای سوزناک از جگر بر آورد و از حال رفت بلی. یکسال از مرگ پدر محسن میگذشت. بدوش دسر یک چهارراهی دکان بقالی کوچک داشت و تنها دلخوشش طفل دلبنده محسن بود. از صبح تا شام کار میکرد ولی از مال دنیا چیزی جز محسن نداشت او را بدرسه گذاشته بود که با سوادش در سریری عصای دستش گردد. ولی کسی نمیدانست چطور شد و چرا بیکروز بایک اتومبیل سواری تصادف کرد و مرد.

محسن باخون بهای پدر و آنچه در دکان داشتند یکسال زندگی کرد ولی دیگر همه چیز نزدیک با تمام بود و خودش هم که کاری از دستش نیامد مصمم شد که بر سر گور پدر بیاید و جریان را با او در میان گذارد.

آفتاب رو بزوال میرفت و ابرهای تیره از هرسو در حرکت بودند که پسرک یتیم سر برداشت با تلبی اندوهناک از آینه ای تاریک چنین آغاز سخن کرد.

.. با باچرا رفتی چرا مسرا تنها گذاشتی. که بود و چه دستی بود که برو زندگانت را بغزان مرگ میدل ساخت دل من در فراق تو اینهمه سوز و گداز جدایی را چگونه تحمل کند ای گوردل سخت تابه کی پدر عزیزم را بمن باز نمیدی

او .. ای مرگ بیا مرا از ورطه غبار زندگی رهائی بخش زیرا تو می که بزندی تیره بختان و سیه روزان خاتمه میدی. عرق سردی از پیشانی سر از بر شده بود سرش بسختی درد میکرد که میتوانست او را نجات دهد. چه چیز آرام درویش را تسلی میداد. تابه کی قرض تاکی نسیه درد دنیا چیزی که سبب دلخوشی باشد وجود نداشت. پدر نداشت. پول نداشت. دوستان و نزدیکان همه از او روبر گردانده بودند خانه و زندگی منمسر بیک دکان خشک و خالی بود.

قلب کوچکش خرد شده بود و دیگر

ترجمه نصیر صداقت پور
برای رفاقت و همچنین نزاع همیشه وجود دونفر لازم است، بنابراین فقط کافی نخواهد بود که بگوئیم ما رفقائی میخوایم بلکه باید مطمئن بود که کوشش ما بجا بوده و ماضی رفاقت را داریم تست زیرا بیازمایند که به بینید که حقیقاً از تیب کسانی میباشد که رفقای خوبی دارید. یانه.

۱ - آبی همیشه بفرود دیگران میباشد و از آزار دیگران خود داری نمینماید
۲ - آبی برای شما آسان است هنگامیکه مردم شما را اذیت مینمایند آنها را ببخشید.

۳ - آبی از خوشحالی دیگران لذت میبرید و آماده هستید که برای خوشحالی آنها کارهای کوچکی نیز انجام دهید.
۴ - آبی همیشه حاضرید که بدون چشم داشت متقابله پدیدگراں کمک نمائید
۵ - آبی از بودن در اجتماع و کارهای اجتماعی لذت میبرید.

۶ - آبی بقایید و تجربیات و افکار دیگران ذملاقه میباشد.

۷ - آبی برود و انود مینماید که آنها را دوست دارید و هر کاری برای شما مینمایند قدر دانی مینماید.

۸ - آبی سرعت انتقال کافی دارید که هنگامیکه آنها کار دارند یا احتیاج به عیط آرام و تنهایی دارند مزاحم آنها نشوید.

۹ - آبی میتوانید از تمایلات خود اذ صحبت کردن و لاف زدن درباره خود و فامیلان و همچنین از گرفتاریها و شکایات خود جلو گیری نمائید.
۱۰ - آبی امانافع خود را زیاد مینماید

تحمل درد ورنج برایش میسر نبود. تصمیم گرفت خودش را از قید زندگی برهاند و از جهان هرچه در آنست چشم پوشد محسن دیوانه نشده بود محسن در اجتماع پرورش یافته بود که جز این راهی نمیتوانست انتخاب کند...

صبح روز بعد جسد بیجان محسن در کنار کوه پیدا شد که بر اثر ضربت تصادف با سنگها بدنش خرد شده بود او را در زیر خاک نرفتند و بروی سنگ آرامگاهش نوشتند... پسری که تلغیهای زندگی او را از پای در آورد...

یونس دیلمانی

ظرفیت خود را برای رفاقت بیازمائید

و وقتایان را تشویق مینماید که همین عمل را نمائید.

۱۱ - آبی حاضرید که رفاقت خود را با دیگران قسمت نمائید.

۱۲ - آبی میتوانید افعال خود را کنترل نمائید که بکروز دوستانه و روز دیگر عکس آنها انجام ندهید

۱۳ - آبی میتوانید هنگامیکه به حضور بروی خود نموده از خشونت نسبت باطرافیان خودداری نمائید

۱۴ - آبی میتوانید سوء تفاهات را با آسانی بر طرف نمائید.

۱۵ - هنگامیکه مشاخره ای روی میدهد میتوانید با طرف خود موافقت نمائید.

۱۶ - آبی اسرار دیگران را بخواهی نگهداری مینماید.

۱۷ - آبی بوعده های خود عمل مینماید

۱۸ - آبی همیشه از بدگویی و اشاعه شایعه در اطراف دیگران خودداری مینماید.

۱۹ - آبی همیشه آماده اید که در هنگام احتیاج و دلسداری دادن به کمک دیگران بشتابید

۲۰ - آبی از صمیم قلب خود را بران دوستان خود ناراحت و بیترحم مینانید بترجیواب مثبت (آری)

نمره بدیهید از ۷۰ بیلا خوب است از ۶۰ تا ۷۰ رضایتبخش بوده. تا ۵۰ بد نیست و باید سعی نمائید بهتر شوید کمتر از ۵۰ بد است.

ظرفیت در رفاقت یعنی دیگران را دوست داشته باشید با آنها بیش از خود برسید اگر دستور فوق را بکار بستید مطمئن باشید که رفقای خوبی نصیب شما خواهد شد

گرم معده

ورمیفوز اسبیت مؤثر ترین داروی ضد گرم ساخت کارخانه معروف اسبیت است بدون مسهل بدون برهیز . بدون تهوع ش آ - ۱۱۳

عکاسی البرز

عکاس مخصوص هنرپیشگان و استودیوهای ایرانی عالیترین و زیباترین عکسها را در اسرع وقت در اختیار شما میگذارد نشانی : چهار راه عزیز خان تلفن ۴۴۳۱۰

دادگاه عشق

زنی بحریم عشق خیانت کرد. عاشق دلشکسته نیه شب، باچشمان اشکبار، بدرگاه خدا نالید.

آتش بکائنات افتاد! در آسمانها غوغا و هیاهو برخاست و ساکنان حرم ملکوت پریشان شدند، زیرا:

خداوند عشق خشکین بود! آنجا، در میان آسمانها تختی مرصع که هر پایه آن بر شاهان ملکی بود، استوار گشت.

عشاق و دلباختگان نامدار در یک صف و ملائک مقرب در صف دیگر ایستاده در حالیکه بایکدیگر نوا میگردند چشم براهی دراز، که در میان ابرها محومی شد، دوخته بودند.

یکباره، صداها خاموش گشت، سکوت محض سرتاسر آسمانها را فرا گرفت.

صدای طبل بزرگی، ورود خداوند عشق را اعلام کرد!

از میان ابرها، خدای عشق، که بر اسب سفیدی سوار بود هویدا شد، سرها بسجود فرود آمد خداوند عشق بر سریر زرین جای گرفت:

آن زن را بیارید! صدای او در هفت آسمان پیچید و بوسیله ملائک مقرب تکرار شد.

لحظه ای بعد، زنی زیبا، در جامه سیاه که گیسوان بلوطی رنگش، برشانه ریخته بود با پای برهنه در حالیکه دستهای کوچک سپیدش بزنجیرهای طلائی بسته بود و دو ملک سرزنجیرها را در دست گرفته بودند نمودار شد.

همه ای برخاست، و لحظه ای بعد سکوت جانشین آن شد فریاد خداوند عشق همه مارا لرزاند.

ای زن ترا بجرم خیانت در عشق بدرگاه ما خوانده اند.

گرچه بیوفائی، عهدشکنی، قریب شیوه دیرین تو وهم چنان تو است، و این گروه که اینجا شاهد و ناظرند، همه از دست شما زهر ناکامی چشیده اند، اما: دیشب هنگامی که در آفاق نظاره میکردم گذرم بر جهان خاک افتاد و دو دل شب جوانی را دیدم که باچشمان اشکبار دل خونین خود را بدست گرفته، او را قی بر اکنده در پیش نهاده میخواندند میگریست و آن او را قی، سوکندها، پیمانها و راز و نیازهای عاشقانه تو بود که مدتها برای آن جوان نوشته و او را بمشق خود امیدوار

چارلی چاپلین در باره

عشق و ازدواج اظهار عقیده میکند چارلی چاپلین که یکی از نواب عالم سینما میباشد دوست و دشمن بشیوع و اعتراف می کنند یکی از صاحب نظران بزرگ است

و در باره ازدواج و عشق عقایدی دارد که چندی پیش در ضمن مصاحبه ای چنین اظهار کرده است عشق و ازدواج تاروژی که زن و مرد صداقت و صمیمیت را پیش ساخته اند سر چشه عذاب و بدبختی خواهد بود. در عالم تجارت و با در روابط دیگر انسانها، وقتی که صاحب کارخانه ای ده بار بیایی متاعی را که فروخته است در سر موعده تعویب نکند و فسخ عهد نماید، یا اینکه مالکی خانه خود را در یک زمان سه نفر مستاجر و اگذار کند از شماره اشخاص (قابل معاشرت) رانده خواهد شد و حتی ممکن است که تسلیم زندان نیز بشود. اما یگانه معامله ای که انسان در آن حق دروغ گفتن و حق وعده های سر خرمن و با بیوا دادن و حق اغفال طرف معامله خود را دارد عشق و ازدواج است، و بجای آنکه شما را بعنوان کلاهبردار توقیف کنند و کوس رسوائی شمارا در جامه بزنند، عنوان اقتخار آمیزی از قبیل (دون ژوان) یا (زن شوم) بشما میدهند و بیش از پیش شما احترام میگذارند

مسلمنا نشانه حماقت و بلاهت است که انسان هر روز صبح از زن خود بیا از مشوقه خود سؤال کند که او را مانند دیروز یا پریروز دوست میدارد یا خیر... حتی شخص زن نیز از این چیزها خبر ندارد و این گونه سؤالها چیزهایی است که تأمل در باره آنها بسیار خطرناک میباشد. بقیه من صداقت و راستگویی عبارت از این است که انسان چیز مهمی را نباید از شوهر یا از زن خود پنهان کند چنانچه نمی توان هیچ معامله یا مذاکره ای را از شریک خود پنهان کرد باور نکنید که مردان و زنان در عشق آرزومند دروغ میباشدند

من دوستان بسیاری در میان مردان و زنان دارم که عقیده دارند اولین شرط عشق بازی حيله گری و دروغ بافی است این عده اظهار میدارند که اگر زن با مردی برای طرف دراز دل خود را فاش کند در علاقه نسبت باوستی حاصل خواهد شد ولی بقیه من این قضیه بهیچ وجه حقیقت ندارد و ازدواج یا عشقی که بر اساس تزویر و ریا بر باشد جز تیره روزی سر انجامی بیاد نخواهد آورد. بقیه من اگر تمام مردان و زنان با صداقت و راستی با هم روبرو می شدند عده زیادی از اشکالات امر روزی بشر بر طرف میگردید.

ساخته بودی! آن تا مراد، چنان مینالید که قلب مرا که خداوند کار عشق و مظهر مهر و محبتم لرزاند و او را چنان آزرده بودی که با زور ذاری و خشم و نفرت میگفت: (ای عشق! تو از اول جز افسانه ای فریبنده چیز دیگر نبوده نیستی!)

اکنون ای زن! آیا در برابر سخنان من قدرت اعتراضی در توست؟

آیا میدانی سخنان این جوان، که عشق و محبت را دروغ و افسانه میدانند، چقدر بر ما ناگوار است؟

لحظه ای سکوت حکمفرما شد! آنگاه زن سر برداشت و نگاه به خداوند عشق افکند، و گفت: من او را دوست میداشتم ولی... نگذاشتند!

فریاد رسای خداوند صدای او را قطع کرد:

دروغ است! دروغ است.

قدرت عشق بالاترین قدرت هاست و تو اگر قصد فریب او را داشتی، هیچ چیز نمیتوانست ترا مانع شود، پس تو خودت نخواستی و جان جوانی بیگناه را بازی گرفتی! آیا از سوگند های خود شرم نداری؟ من ترا بلنت ابدی گرفتار خواهم کرد!

و آنگاه دستور داد او را از ساحت فرشتگان دور سازند! زنجیرها کشیده شد، زن بزانو درآمد، ناگاه صدای از دور بگوش رسید:

صبر کنید صبر کنید!

از میان ابرها جوانی پدیدار شد، سراسیمه پیش می آمد تا خود را باستان خداوند کسار عشق رسانید سر تعظیم فرود آورده گفت:

خداوند! اگر بغاظر من این زن را عقوبت میفرمائی، از پیشگاه تو بزراری می خواهم که اگر افر غو کنی! آری او را به من ببخش اگر چه آرزوهای من با دست او برای همیشه در گور نهاده شد!

من اکنون جزواری بر گور آرزو ها چاره ای ندارم، اما چون او را دوست میدارم تقاضا دارم او را ببخشی همچنان که من باهه سختیها، از او در گذشتم!

مرا باید مجازات کرد که مینبنداشتم اولسبت بمن عشق دارد، ای خدای بزرگ تو خودت میدانی عشق موهبت لازمی است که چون بردستی سایه افکند هیچ قدرتی قادر بیایمان کردن آن نیست، در غیر اینصورت نباید بر آن نام عشق نهاد! من هنوز قادر نیستم بگویم آنچه را که او نام مقدس عشق بر آن نهاد، هوسی بیش نبود، زیرا:

من او را مثل تو، ای خداوند عشق! پرستش و ستایش میکنم!

تسلیت

بانهایت تأسفو تاجر مصیبت
وارده را بجناب حاجی ملاعذرا
مکابی و دوست عزیزم آقای
خلیل یاقوتی تسلیت عرض میکنم
باباجان باباجان
ش آ - ۱۰۹

معالج قطعی

ورم و خارش

دست و پا

با آسلیک

ش آ - ۱۰۱

آگهی استخدام

دبستان ملی کوروش کبیر در رشت
احتیاج بیک نفر آموزگار عبری دارد از
داوطلبین تنها می شود بپوشه اوتصر
هنورا در تهران مراجعه فرمایند
ش آ - ۱۰۲

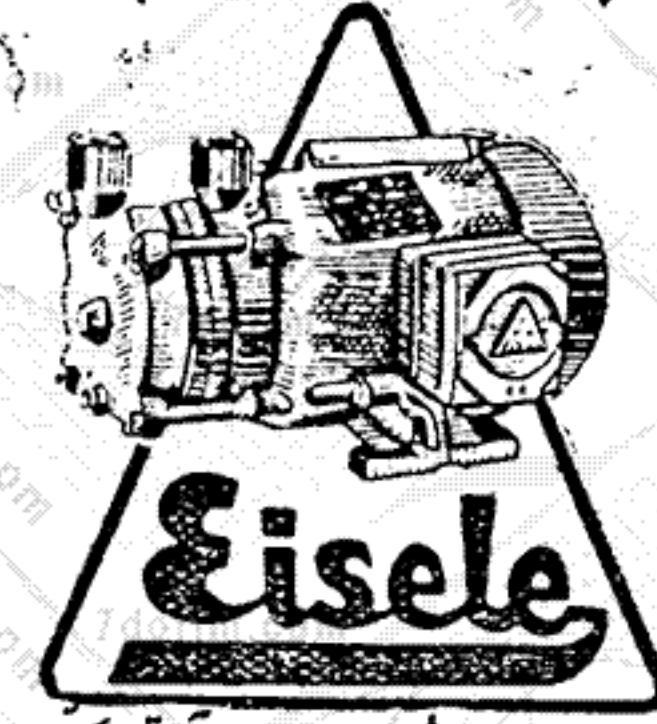


عکس سه سالگی دوقلو (پسر) بهنام و
بهباد یاشارال

عالم یهود
يك ابتكار جديد وي سابقه از طرف دارالترجمه و ايزمن
فقط با يكصد ريال

اشکالات خود را جامع بامور جنسی و روانشناسی با مادر میان بگذارید.
دارالترجمه و ایزمن با قراردادهاییکه اخیراً با دو تا از بزرگترین موسسات
روانشناسی و متخصصین امور جنسی در انگلستان و امریکاسته است حاضر است
که هر گونه سؤال شما را برای آنها فرستاده و ترجمه جواب آنها را برای شما
بفرستد فقط با نوشتن يك نامه و شرح اشکال خود که بیش از چند سال است از
آن رنج میبرید و هنوز راهحلی برای آن پیدا نکرده اید و اضافه کردن يكصد ريال
(برای مخارج تمبر و غیره) از رنج سفر با روبا و امریکا آسوده خواهید شد موسسه ما
فقط برای کمک و راهنمایی شما بوجود آمده و محرم اسرار شما است . ش آ - ۱۰۵
نشانی صندوق پستی ۳۶۹

صاحبان منازل توجه فرمایند



صرف برق قلیه ای آیزل در ریاضت ده بی و در تهران آن قبل کسین است استخدام بی نظیر
تیمت نوزان میقاومت و مقابل رطوبت از محضات تمیه بی برقی صرف آلمانی
آیزل است در خانه در ساختمانهای خود یک تمیه برقی آیزل و یک دستگاه فنور نصب
برای همیشه آسوده باشد نصب تمیه و فنور در تهران همانا بسید شرکت ایران مارکو
انجام میگردد و در مقابل برودت تمیه است برای خرید هر نوع تمیه برقی و فنور
پس از برای آیزل شرکت ایران مارکو خیابان سدی مقابل ایران تور
تلفن ۳۸۸۷۸ مراجعه فرمایند

IRAN MARCO TRADING Co
562 SAADI AV TEHRAN

تبریک

با کمال شوق و شرف جشن تولد نورچشمی دوقلو آقا بهنام (ابراهام) و آقا بهزاد
(یعقوب) را بعموم فامیل یاشارال بخصوص جناب آقای اسحق یاشارال و خانم محترمه
عفت مرادی از طرف خود و خانم تبریک میگویید .

با کمال مسرت ازدواج دوشیزه فلورانس داروگر با آقای شاهپور نعمتی نیا
را بعموم فامیل طرفین مخصوصاً آقای عزیزاله داروگر و آقای حاج میخائیل نعمتی نیا
تبریک میگویید .

با نهایت سرور ازدواج دوشیزه سیمین شنبه زاده را با آقای حیم باباجان بعموم
فامیل طرفین مخصوصاً بهکار محترم خود آقای شکرآم شنبه زاده تبریک میگویید .
ش آ - ۱۰۴ حق نظر شرگاه نماینده عالم یهود در کرمانشاه

سینمایی
ستارگان یهود

استر ویلیامز

نخل سرسید ستارگان هالیوود مادری مهربان است

در سال ۱۹۴۵ يك جوان خوش اندام و بلندقد از دختری زیبا و ستاره ای محبوب یعنی استر ویلیامز تقاضای ازدواج کرد استر هم با وجود آنکه در سراسر دنیا عشاق زیادی داشت باز دواج با اوراضی شد در صورتیکه بتواند در خانه همسرش مادرچند فرزند گردد و ماهروری شناگر سینما همسر آقای بن کایج شد
خانم بن کایج که اکنون سی و سه بهار از عمرش میگذرد از کوچکی بشنا میل سرشاری داشت و افسوس میخورد که چرا بصورت ماهی آفریده نشده تا بتواند تمام عمر را در آب زندگی کند .
استر در سایه سعی و اهتمام در شانزده سالگی توانست بین دختران امریکا قهرمان شنا گردد و از همان ایام نامش بر سر زبانها افتاد وی پس از تحصیلات در یکی از خیاط خانه های معروف مانکن شد و چون دارای اندامی زیبا بود در پشت جلدچندین مجله عکسش بچاپ رسید و همین عکسها بود که توجه مدیران کبانیهای فیلمبرداری



استر ویلیامز و فرزندانش

عالم یهود

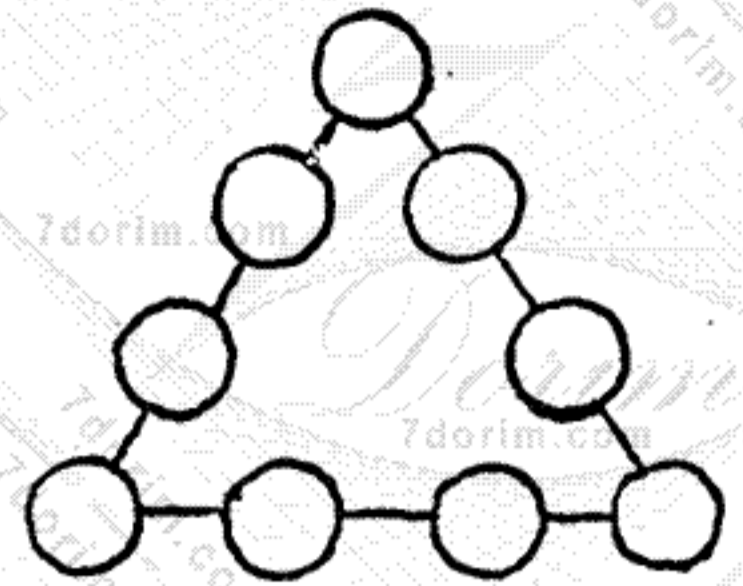


را جلب کرد و در این میان کبانی معظم مترو کلدوین مایر گوی سبقت را ربود و توانست با او قراردادی منعقد کند فیلم هائیکه استر در آنها بازی کرد مورد علاقه کایج محافل سینمایی واقع شد و در مدت کمی توانست مقام ملکه فیلمهای موزیکال و ماهروری شناگر هالیوود را کسب کند.
در بیشتر و شاید در تمام فیلمهای استر ویلیامز چند صحنه جالب شنا چشم میخورد که با کمال سهولت در زیر آب میچرخد و عشوهری میکند و عده ای همچون پروانه بدور شمع در اطرافش دست و پامیزند
استر اکنون دارای شخصیت برجسته ای است و گذشته از شنا و شرکت در فیلمهای موزیکال در درامهای سنگین میتواند استر دلنخست را ایفا نماید و از همه بالاتر میتواند از شوهر و فرزندانش بنحوا حسن نگاهداری و مواظبت کند خانم بن کایج اکنون دارای دوبرساکل زری و يك دختر مامانی است با وجود این توانسته زیباییش را کاملاً حفظ نماید و عقیده داردموقی که بهال چندین فیلم در ایران نشان داده شده که تمام آنها با موفقیت روبرو گردیده است و از آن میان میتوان مهرویان شناگر در جزیره ای باتو - ضیافت - هیجان عشق استخر زمردین - دختر نبتون - کلناوال تکراس - دوشس ایداهو - دانام برد - از فیلمهای دیگر مایو یک تکه - همه شنا می کنند - و بالاخر دختر دریایی یکمیلیون دلاری است که با ویکتور ماچور (ایفا کننده نقش سامسون) بازی کرده و در آنها غیر از شنا میخواند و میرقصه و ناز می - فروشد.

استر با خانواده اش در خانه افتابگیری زندگی میکند که استخر بزرگ و زیبایی در جلو آنست و در مواقع بیکاری با اتفاق شوهر و فرزندانش در آن شنا میکنند و هر جا که باشد حتی در حین فیلمبرداری در کبانی مترو کلدوین قلبش در خانه اش است

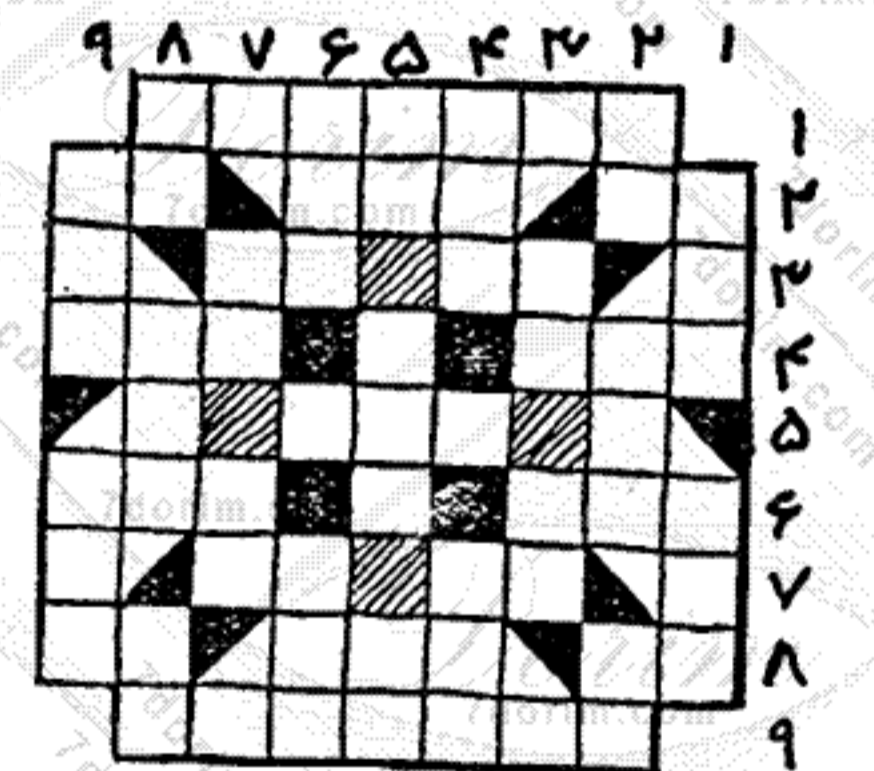
یونس دیلمانی

شعر درهم موجب خداراستی رضای است زه که از کم ندیدم شد کس راست اگر توانستید این شعر درهم صحیح را بنویسید همراه با دوریال تبر باطل نشده برای ما بفرستید برنده دو ماهه مجله خواهید شد



آیا میتوانید اعداد از یک تا ۲۰ را طوری در داخل این دایره قرار دهید که مجموع این دایره در امتداد اضلاع مثلث برابر پنجاه و دو شود (بطوریکه هر عدد نباید دو بار تکرار شود) اگر توانستید جواب آنرا همراه با دوریال تبر باطل نشده (داخل پاکت) برای ما بنویسید تا بحکم قرعه دو ماهه مجله برای شما ارسال شود

جدول کلمات متقاطع



- ۱- از دانشمند بزرگ یهودی که معروفیت جهانی دارد.
۲- رود بزرگی است در اروپا- بعضی اوقات در آسمان پیدا میشود- علامت ندا.
۳- پیش کسی آنرا فاش نکنید - نسل بی پایان.
۴- نان بگیری - همه دارند
۵- حیوان کوچکی که بدور اندیشی معروف است.
۶- فرمان - تلبیه
۷- حیوان باربری است - مقدار طول زیاد.
۸- تکرارش یکی از سنگهای قیمتی است - بعد از جنک می آید - مرضی است خانمان بر انداز
۹- هم اکنون در دست شماست ولی یک حرف کم دارد.

معادات زندگی را در چه میدانید

(در علم)

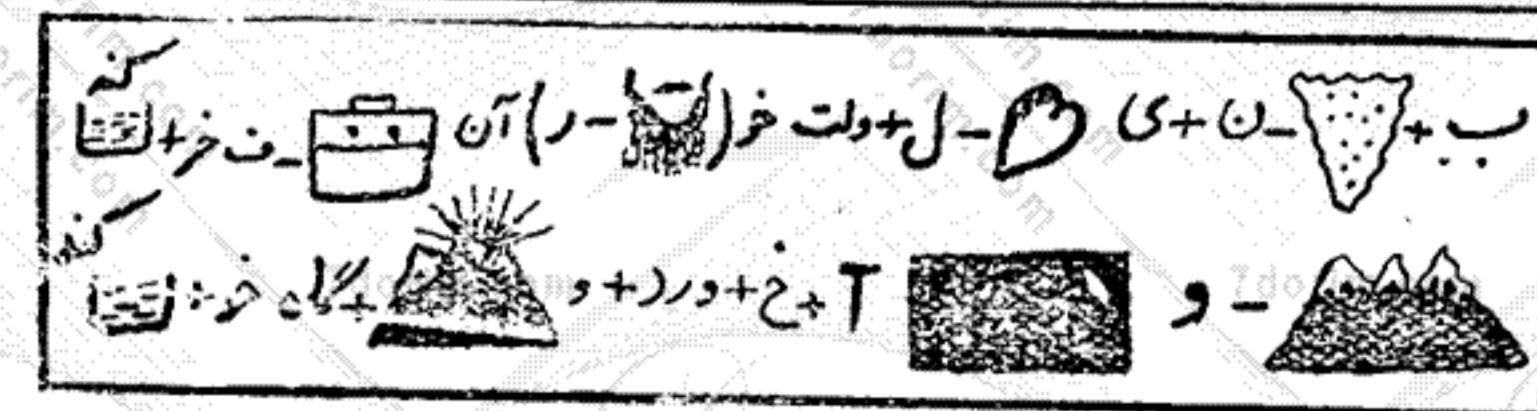
زگهواره تا گور دانش بجوی



بتوای خواهر، ای برادر، ای فردی پاک ایرانی وای جوینده راه سعادت و خوشبختی اگر خواهی سعادت دانش آموز شوی تا بر مراد خویش پیروز در رزمگاه شکر فزندی افرادی که میخوانند سعادت مند شده و در تارخ سکه فتح و فیروزی را بنامشان بزنند بناید با سلاح علم و دانش مجهز باشند. اوراق تاریخ ادوار گذشته در آن زمان که جهان و جهانیان بومی از تمدن دانشند چه افتخارات بزرگی را کسب نموده و سعادت مند و خوشبخت ترین افراد جهان محسوب می شدند آری یوعلی و زکریا سه ی و حافظ کورش و نوشیروان همه و همه و هزاران فرد دیگر ایرانی در اثر علم سعادت مند شده و تا ابد سبب افتخار و سعادت ایران و ایرانیان گردیدند و امروز در عرصه

جهان کشوری سعادت مند است که از بر تو علم و دانش بهره و نصیب کافی برده باشد بنابراین من سعادت خود را در سعادت ملت و میهن میدانم و سعادت میهنم را نیز با داشتن افتخار قبیله و هالم و باعزمی راسخ میگویم که علم دانش تضمین کننده سعادت و خوشبختی هر فرد است و برای صدق عرایضم -

گواه آدم از گفته اوستاد که روحش بخلد برین یاد باد پر شک همه رنجها دانش است کلید همه کنجها دانش است «سعادت رود سوی آن انجمن که از علم برده است بهره کن» با تقدیم احترامات شایسته . مدیر دبستان ملی اتحاد شهرستان نهاوند مهدی یزدیان



چنانچه شعر مصور بالا را توانستید حل کنید با دوریال تبر باطل نشده برای ما بفرستید بحکم قرعه برای دو نفر از شرکت کنندگان دو ماهه مجله ارسال گردد

- عمودی
۱- قطار روی آن حرکت نمی کند.
۲- قطار - از حیوانات آنرا دارند
۳- اشاره بدور - نخته و بدون تجربه
۴- معکوسی را تکرار کنید تا صدای یکی از حیوانات شود
۵- خوردن و مردنش یکی است - یهودی است - طرف .
۶- فرمان - تلبیه
۷- حیوان باربری است - مقدار طول زیاد.
۸- تکرارش یکی از سنگهای قیمتی است - بعد از جنک می آید - مرضی است خانمان بر انداز
۹- هم اکنون در دست شماست ولی یک حرف کم دارد.

ایلیا از نیورک

(بقیه از صفحه ۵)

شده بودم . کرچه از نیورک فعالیت تیر بخش و مفیدی در تنظیم (تاتر کودکان) و تدریس اشعار پوشکین و مایاکوفسکی به دانشجویان (مدرسه عالی شبی) میگردید اینحال نمیتوانست با شرایط جنگ داخلی خود را هم آهنگ سازد .

کمی بعد بفرانسه رفت اما دولت بوی دستور داد که بلافاصله این کشور را ترک گوید . از همین جا بود که نگارش اولین اثر نشر عالی و جلدایش (ژولیوژوریتو) را در سال ۱۹۲۷ در بلژیک شروع کرد این کتاب سرگشت عجیب (ژولیوژوریتو) عارف مکزیکی و سرگردان شدن وی و هفت شاگردانش در اروپا بنوع دلچسبی بیان مینماید . مقدمه این کتاب را والری لاریو (پیرماک درلان) نویسنده کان معروف فرانسه نگاشته و بملت هجو دقیق و برنده خود مورد توجه نقادان (کار کانتوائمی) قرار گرفت .

موقیقت کم نظیر و فوری این کتاب باعث تشویق از نیورک گردید و نامبرده بنگارش نویسی پس از نول دیگر پرداخت که از آن جمله میتوان (نیکلای کورن) ۱۹۲۳ ، (عشق ژان فی) ۱۹۲۴ ، (داک تیر) ۱۹۲۵ ، (تابستان ۱۹۱۵) ۱۹۲۶ ، (یک خیابان در مسکو) ۱۹۲۷ و مجموعه از چندین داستان کوتاه همچنان آورده نام برد کرچه عشق (ژان فی) «فیلم کم نظیر و پر موقیقتی از آن برداشته شده است» و (یک خیابان در مسکو) مناظر ملودراماتیک انقلاب اکتبر را بنوع برجسته و قابل تعجیدی نشان داد اما نتوانست مناظر قاطع و کاملی را از زندگی مردم شوروی برای خوانندگان مجسم نماید تا اینکه در ۱۹۳۴ (از اغتشاش) دا نگاشت که بدون شك عالیترین و زنده ترین نولهایی وی میباشد .

اما قبل از ظهور این اثر ممتاز و کم نظیر از نیورک مهارت خسود و ادراک یک (نوع) جدید شیرنگاری بوجه احسن نشان داد . او با چشمان بی اعتبار و مضطربش که به نسبت اتومبیل سازی مینگریست و در پایه اساس (۱۰-۵۰ پ) از فیلم برداری (کارخانه رویاها) ۱۹۳۱ ، (انقلاب اطریش) ۱۹۳۴ اعتصاب سوله نقشه ۵ ساله هلند واقعه استاویسکی و بالاخره جنک داخلی اسپانیا دقت و کاوش علمی مینمود از نیورک نویسنده ای امپرسیونیست با صفات برجسته و انکار ناکردنی است . او یک ناظر بصیر و دقیق زندگی معاصر میباشد . در نگارش رسالات

بقیه اخبار عالم یهود

گاو داری برای مصرف گوشت توسعه پیدا خواهد کرد شعبه پرورش گاو برای مصرف گوشت توسعه زیادی پیدا کرده است . اوایل سال ۱۹۵۴ تنها ۴۰ آبادی گله های گاو برای گوشت پرورش میدادند در صورتی که امروز به ۸۰ آبادی ترقی پیدا کرده و شماره گاوها به ۵۰۰ راس میرسد . در اوایل سال شماره گاو های شیده در آبادیهای اسرائیل ۴۰ هزار راس بالغ میشد . طبق حسابی که شده است تا یکسال و نیم دیگر احتیاجات گوشت کشور را میتوان از داخل رفع نمود .

در سال ۵۷۱۵ عبری ۳۵ آبادی جدید کشاورزی برپا خواهد شد آقای دکتر « یوسفنال » در موقع صحبت در باره بودجه سوختوت گفت که ۷۰ درصد از مهاجرین آفریقای شمالی به آبادیها میروند و اضافه کرد که در سال ۵۷۱۵ - ۳۰ تا ۳۵ آبادی جدید ساخته خواهد شد و ۵۸ میلیون لیره برای این منظور در نظر گرفته شده است . برنامه ساختمان از این قرار است ۷ آبادی نزدیک عفولا . بیست آبادی در منطقه «لاخیش» ۳ آبادی در عمق بت شان دوتا در کابل علیا . و ۴ آبادی در مناطق مختلفه . این آبادیها ۲۰۰۰ فامیل را در خود جا خواهند داد .

یک قدم بجلو

(بقیه از صفحه ۳)

مذاکرات را امضا نمودند و قرار شد بعداً آقای کلشن هم امضا نموده و جریران تحویل و تحول اموال و مهر و دفاتر انجام پذیرد تا انجمن خیریه اتحادهم که با خرید قطعه زمین بزرگی میخواهد دست بکار بنای یک بیمارستان آبرومند شود و برای اینکار به قسمتی از اراضی بهشتیه برای تبدیل آن با حسن نیت احتیاج دارو بتواند کار نیکوی خود را انجام دهد . در جریان مذاکرات روز جمعه صحبت های « مترضه » ای هم انجام گرفت که ممکن است خدای نکرده بوی غرض ورزی بدهد و از همین جا است که معاونان مقاله را یک قدم بجلو یا بقیه را انتخاب کردیم و بهر صورت امیدواریم که حسن نیت و خیر اندیشی و گذشت و مردانگی و برادری اجازه دهد آن جلسه قدمی به جلو باشد نه آنکه باز « شیطان » ما را قدمی به تفرقا ببرد !

هجو آمیز پر لطف و انتقاد های میش و استوار چالاک ترین و مبرزترین نویسندگان معاصر است پروفسور (استرو) میگوید: «از نیورک بنیکوترین وجهی میداند چگونگی میبایست گوشت و تپچه حندی اثری را جالب ، مهیج و جذاب ساخت و فطانت و هوشیاری عجیبی دارد . هجویاتش همگی تند ، گوشه داز و اغلب خشن است . پروژهها و ایده های در آن بنوع فطلوب و برجسته ای نمایان میباشد» پروفسور استرو با ایجاد و اختصار اما با درستی هر چه تمامتر از صفات از نیورک انتقاد کرده است اما پس از نگارش (از اغتشاش) و بخصوص اثر بندهش (بدون کوچکترین وقفه برای نفس کشیدن ۱۹۳۷ نسبت خشن بودن پسیکولوژیکال وی کمتر قابل قبول بوده و با وی چسبند ظاهر شخصی او نیورک مانند آثارش عجیب است قامت بلند و خشن ، چشمان سیاه درشت و موهای پریشان دارد .

معمولا کلاه و پالتوی بزرگی میپوشد که با اشکال با آن راه میروند در ۱۹۴۱ پیوسته با (میخائل شولوخف) نویسنده شهیر شوروی بعنوان شیزنگار (سرویس جدید ماوراء بحار) در جنگ علیه نازیها همکاری میکرد اخبار همچنان آوری که از جبهه جنگ منتشر میکرد او را بخوانند گمان دورنامه های آمریکائی آشنا ساخت و ویرا یکی از قهرمانان ملی عالیقدر اتحاد جماهیر شوروی معرفی میکند از آثار دیگرش میتوان (یک نویسنده شوروی به وین هنک (۱۹۳۴) سقوط پارسیس (وطوفان) را نام برد .

- ۱- ضد انقلابیون ۲- پلیس انقلابی ۳- از سران ضد انقلاب

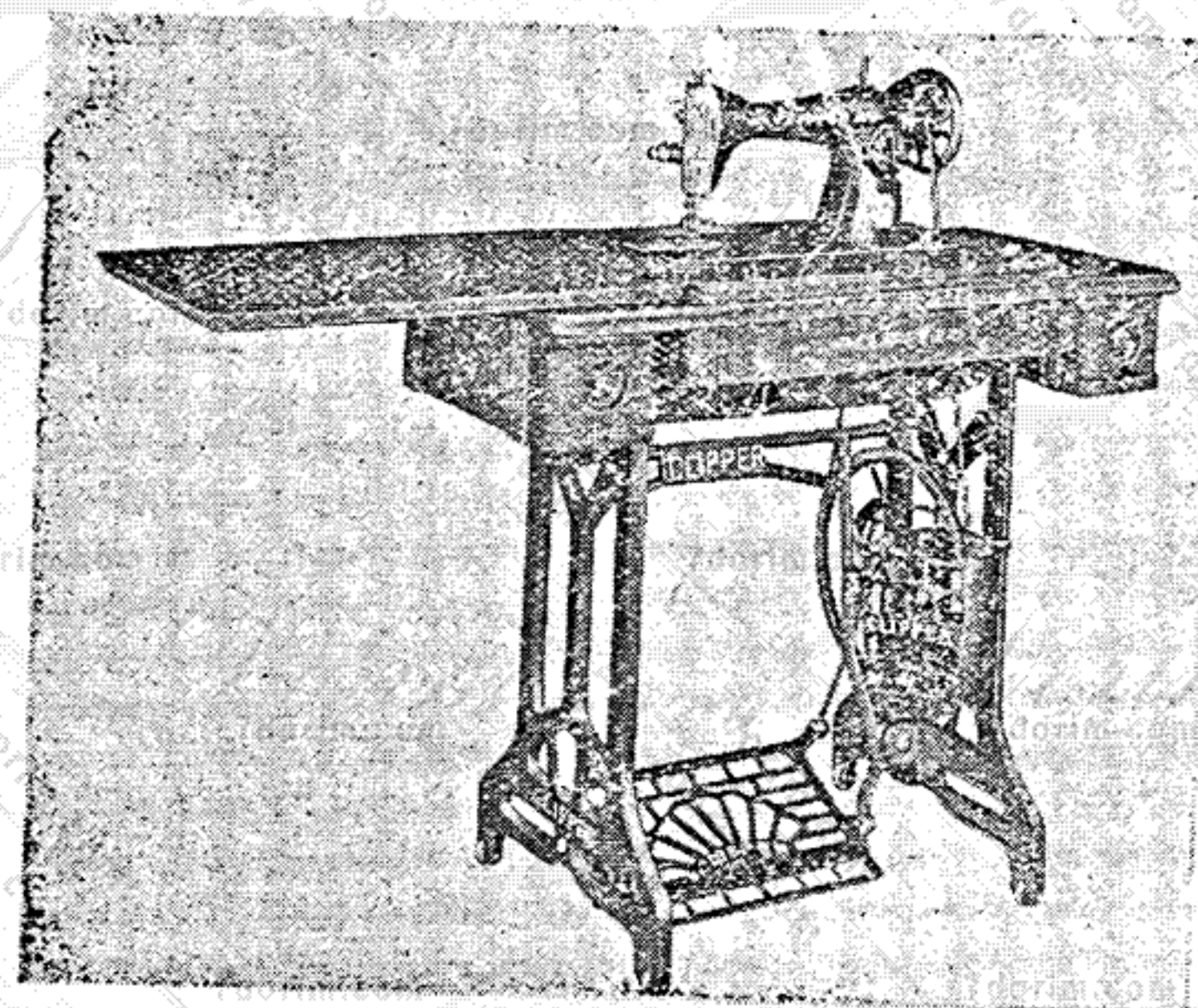
چارلی چاپلین

(بقیه از صفحه ۶)

که هنوز نمیتوان فهمید امریکاییها بچه هلث درهای کشور خود را به روی او، هنر پیشه ای که در حدود ۴۰ سال در آنجا زندگی کرده و بعنوان یکی از بزرگترین هنر پیشگان قرن حاضر شناخته شده است بسته اند اگر میلیونها مردم امریکا چنین شخصی را دوست نداشته و از او متنفر باشند چارلی باید یکی از مغرورترین اشخاص جهان باشد اگر واقعا ایطور است پس یکی از سینماهای تیکه فیلم چارلی را نمایش میدهند در هر کجای دنیایی که باشد بروید و به بینید آیا از میان آنهمه تماشاچی که برای دیدن فیلم او آمده اند کسی پیدا میشود که چاپلین را دوست نداشته باشد !

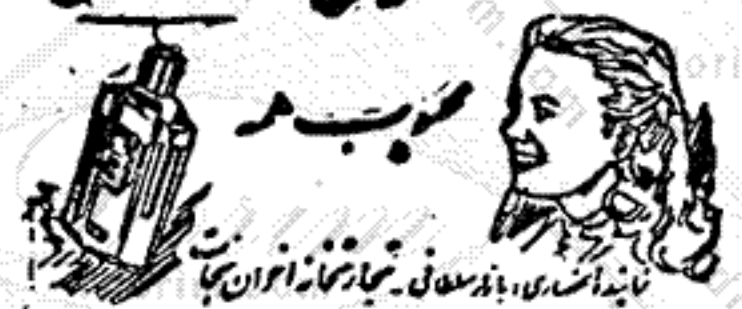
سوپر ایکس
Supra Sex
 HORMONES VITALISANTES
حیاتی
 ساخت کارخانه ژنوفون-ژنوفون
ضعت قوای تناسلی - بیهوشی زودرس - خشکی جسمی
زوجه بیستی و نور استنی
درجه اولی - ۱۰۰ درصد در دیکه داروخانه موجود است
کالای شوین خیابان سه پل تلفن ۳۶۱۳۳ تهران

ش - ۹۱
چرخ خیاطی کلپیر بهترین چرخهای جهان است



دفتر نمایندگی - ۱- یاحید لاله زار پاساژ سينا شماره ۲ تلفن ۳۶۵۴۴
 مرکز پخش - فروشگاه کيبيا خیابان فردوسی مقابل سفارت انگلیس
 تلفن ۳۹۰۳۷ ش آ - ۸۱

صحافت آرایش دار هاش



عالم یهود آگهی های تجارتی
 میپذیرد

صحافی

سرویس صحافی چاپخانه بوستانی
 دایر وهمه گونه سفارشات صحافی آلبوم
 جلدسازی قابسازي جعبه سازی پاکت سازی
 رادر اسرع وقت و به نحو احسن انجام
 خواهد داد.

تهران چهار راه یوسف آباد
 ش آ - ۹۶ تلفن ۴۲۲۰۷

آگهی در آبادان

نمایندگی عالم یهود در آبادان
 با آقای عزیزاله لاریان . خیابان
 شاهپور . مغازه خوزستان می
 باشد

بهترین هدیه برای

اقوام و دوستان

آیا شما مایل هستید برای خویشان و دوستان عزیز خود که در اسرائیل هستند هدایایی بفرستید ؟
 مسلمان مایل هستید

وای چون مخطی زیاده دارد (از خریدن و بسته بندی کردن ، کدک کردن و فرستادن) با بودن وسایل) و زمانی که احیاناً دوستان و خویشان و دوستان شاد اسرائیل برای دریافت آن خواهند داشت) نگران هستید .

حال ما همه کارها را برای شما سهل کرده ایم - شما فقط دستور دهید و ما همه کارها را برای شما انجام میدهیم . برای ارسال هر مقدار خود را کاش (گوشت مرغ تازه و گوشت گاو تازه در قوطی - برنج - ساردین - روغن - کرمه تازه و سایر لبنیات قندو شکر و انواع شکلات و غیره که همگی کاش است) برای دوستان و خویشان و تان به یکی از نشانی های ذیل مراجعه کنید .

بنگاه نشریات عمومی خیابان لاله زار شماره ۹۸ تهران .
 شرکت ایران تراکس تلفن ۳۹۶۷۰
 سوم اسفند تهران و شهرستانها به نشانی بنگاه عمومی صندوق پستی شماره ۱۷۶ تهران مراجعه نمایند .
 ش آ - ۹۴

موزه بخانه های محترمه

خرازی و علاقه بندی ژان از هر قبیل توری جات و لوازم آرایش را با نازلترین قیمت در دسترس شما میکند
 نشانی : اول خیابان مشوچری .
 رو بروی سفارت انگلیس خرازی ژان
 ش آ - ۱۰۳

دکتر مطویان

متخصص امراض اطفال از دانشگاه پاریس
 مطب خود را از خیابان سبه بغیابان کاخ اول خیابان فآنی شماره ۵۵ (تیر سابق) انتقال و بعد از ظهرها از ایستگاه پدیرانی
 ش آ - ۸۲
 مینماید .

سر نوشت ..

بقیه از صفحه ۱۳
 آفی
 خیلی سعی کردم اینجار اترك كنم خیلی خواستم ترا ترك كنم اما نتوانستم . آفی من ترا دوست دارم خیلی دوست دارم بالاتر از هر عشق و محبتی میبرسم ولی باید از تو از این آتش سوزان بگریزم .
 مثل اینکه خون درر گهایم منجمد شده بود گفتم دریک چراغ من فرامیگویی چرا ...
 بنزدیکم آمد و گفتم آفی آمده ام حقیقت را بگویم .
 بیش از این نمیتوانم با ناراحتی زندگی کنم تو که همه چیز را نیدانی نه توهیچکس نیفهمد درقلب مردم چه میگذرد و نه دررد انسان را که فقط خودش درد میکند .
 آخرین شبی که من ترا دیدم وقتی در باه جورج و احساسات نسبت بوی صحبت کردی وقتی از عشق از دست رفتی حرف زدیم خودم را گناهکار دانستم .

آخر من زندگی شیرین ترا بهم زده بودم میفهمی مرا عفو کن من شوهرت را کشته ام من زندگی ترا معدوم کردم من نمیدانستم که جورج شوهرت توست تا وقتی تراملاقات کردم ولی نتوانستم از عشق تو بگریزم نفس عمیقی کشید و گفت این بی دقتی من بود که باعث مرگ جورج شد من در ماشین بعدی او کار میکنم يك قسمت ماشین را از من خواست و من از بی دقتی قسمت اشتباهی را با او دادم کلمات دو گلویش مرد و دیگر نتوانست حرف بزند ولی مثل اینکه با خودش صحبت میکرد گفت بله ماشین در نتیجه این عمل آتش گرفت و جورج کشته شد میفهمی من گناهکارم .

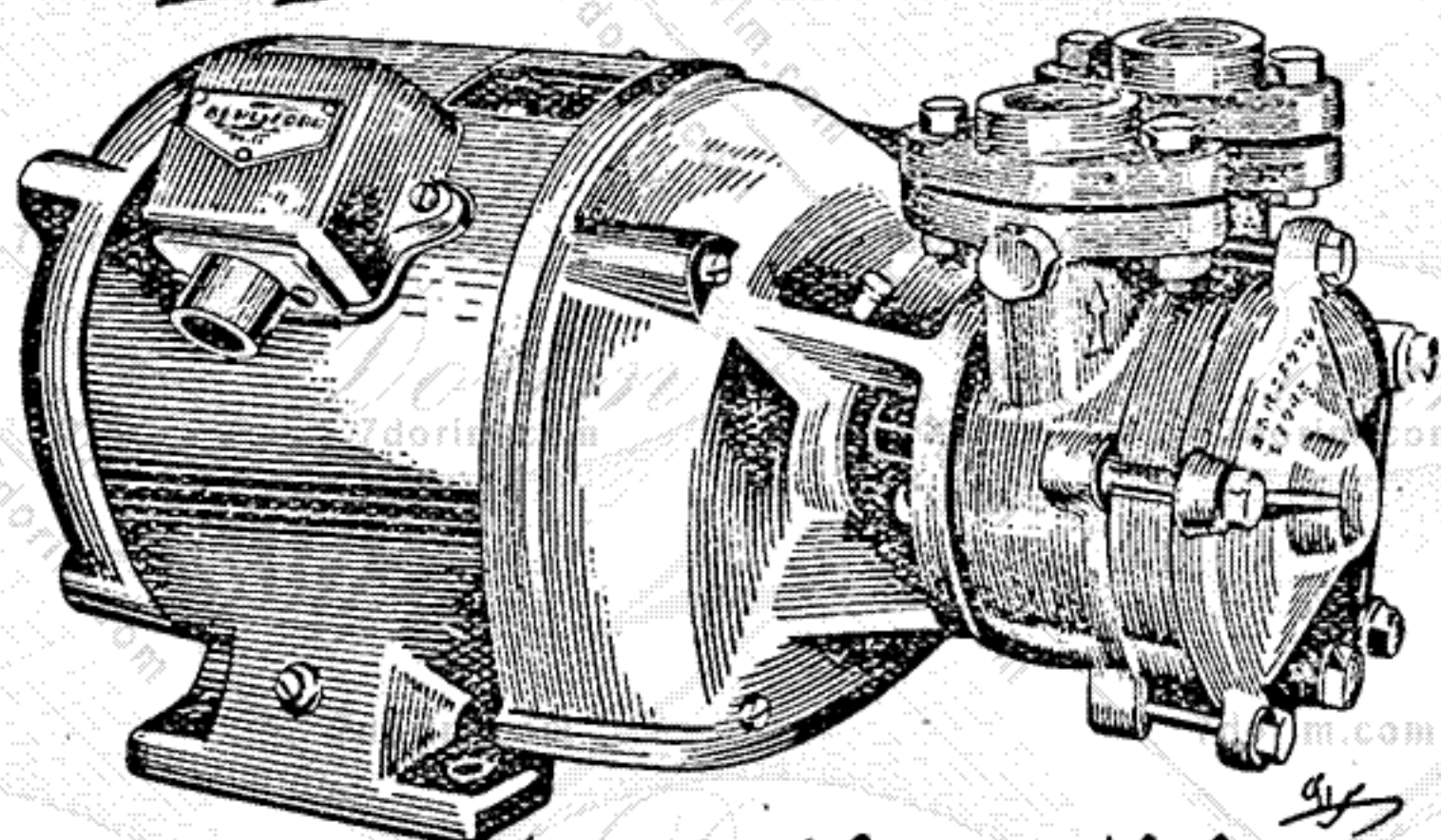
وقتی دريك سرش را بلند کرد دلم میخواست فریاد بزنم خدایا من عاشق قاتل شوهرم بودم دريك گفت بخش آفی مرا عفو کن ویرا روی صندلی نشاندم گفتم دريك در قتل من هم بی تقصیر نبودم من هم گناهکارم زیرا امروز جورج مریض بود احساس کسالت میکرد من بزور او را و ادار کردم که بسر کاش برو دخال میکنم میخواهد از کار تمارش کند باخشم و غضب بزور او آمد میفهمی اگر من این کار را نکنم مردم او کشته نمیشد .

دريك سکوت ممتد را شکست و گفت آفی دارم دیوانه میشوم پس هر دوی ما مقصر هستیم ما هر دوی را کشته ایم بگذار موضوع را خاتمه شده تلقی کنیم بگذار برای همیشه از هم جدا شویم زیرا این ملاقات این عشق درسی از زندگی نقشی از سر نوشت ما بود روی پایش اقدام مرا در آغوش گرفت مثل اینکه همه خاطره ها جنبایت ها ترس ها و وحشت ها معدوم شدند .

گرا ندویا موند

آخرین ماشین دست بابت
 ثبات بوزن جوراب
 بسوت درسه الی چار عات
 با کامرا - سخ - ایریش
 همه نوع نقشه و طرح میانه
 مرکز فروش : کاموا فروشی توهاجیان
 خیابان لاله زار - مقابل سینما ایران .
 ش ۷۰

تلمبه های برقی برسیفور



برای منازل - چاه عمیق - حمال و کارخانجات
 فروشگاه برسیفور و خیابان سعدی تلفن ۳۵۸۱۵

سر نوشت سر نوشت عجیب و غریب مردی را مورد پرستش من قرارداد که جورج را میشناخت شاید جورج خودش دريك را برایم فرستاده بود
 ...
 دريك لبهای گرم و سوزانش را روی لبهای من گذاشت و گفت آفی از امروز زندگی جدید مسا شروع میشود مطبش باش روح جورج در آن دنیا فقط شادی و سعادت ترا میخواهد گویا تمام ناراحتی ها و عذاب های من در بوسه های متد دريك معدوم شد .
 شماره ۱۳

صادرات به آرژانتین

آقای کادلوس ماشا دبیر اول سفارت آرژانتین در جشن اطان بازرگانی تل اوپو گزارشی قرائت کرد و طی آن اظهار داشت که روز بروز بر صادرات کلاهی اسرائیل به آرژانتین اضافه میشود. آقای دکتر «پاولو مانگل» سفیر آرژانتین در اسرائیل در این جشن نطقی بزبان عبری از روی ورقه ایراد کرد و گفت بزودی اسرائیل را بقصد مینش وورود به پارلمان آن کشور در تبرک خواهد کرد. نامبرده اضافه کرد که من در این کشور ۶ سال گذراندم و تنها چیزی که میتوانم در موقع عزیمت بگویم اینست که برای این مملکت کوچک و شجاع اوزش فوق العاده ای قائل و آنرا ستایش می کنم.

کناره گیری بن گوریون در نظر انگلیسها

لندن. آقای «جان استلهاپین» طی مقاله مفصلی که در روزنامه «نیوستایسن» درج نموده در مورد ملاقاتش با بن گوریون در سده بوکر اینطور اظهار میدارد: او (مقصود بن گوریون) بجبهه بازگشت نموده ولی نه بجبهه جنگ سرد با اعراب که در سرتاسر اسرائیل مشهود است بلکه به جبهه جنگ با خرابه ها که میتوان آنرا مبارزه حقیقی نامید.

نازیها یهودیان برلن را بقتل تهدید میکنند.

برلن - رئیس جماعت یهودیان «هایتچ کلیتسکی» اطلاع میدهد که نامه های تهدید آمیزی تحت عنوان «ما بر کشتیم» وقت آن خواهد رسید که آلمان از یهودی ها آزاد شود «منتظر روز ۲۷ فوریه ۱۹۵۶ باشید» یهودیان برلن غربی واصل شده است.

۴۰۰ کیلو گرام اورانیوم مورد لزوم یکسال اسرائیل را تامین میکند

آقای دکتر «دوستروسکی» کاشف طریق ایجاد آب سنگین بوسیله مواد شیمیایی در سخنرانی خود در سالن موکراپی اظهار داشت کوشش میشود که تحقیقات علمی و عملی اتمی در مواد صلح بکار برده شود. وی افزود نیروی که از یک کیلو گرم اورانیوم تولید میشود مساوی با نیرویست که از ۲۶۰۰ تن نفت بدست میاید. بنابراین با ۳۰۰ تا ۴۰۰ کیلو گرم اورانیوم میتوان سوخت گرما، نیرو و روشنائی یکسال اسرائیل را تامین نمود دانشندان اورانیوم موجود در عالم ۲۵۰ میابون تن تخمین میزنند که ۴۰۰ برابر بیش

اخبار عالم یهود

(بقیه از صفحه ۴)

از ذغال سنگ و نفت موجوده ایست که سوخت ۲۵۰ سال جهان را تامین مینمایند نامبرده گفت فعلا انگلستان برای بکار بردن نیروی اتم بنظر صلح در راس ممالک دیگر قدم برمیدارد و حتی از امریکا نیز جلو افتاده است. محقق اتمی در خانه صحبت خود افزود اگر اسرائیل انرژی اذرنی داشته میتواند شش ماهه آبشار نیگرا را بکار بردن آب دریا حل کنیم.

اسلحه ضد تانک محصول اسرائیل در سال ۱۹۵۵ ارتش دفاع اسرائیل انواع سلاحهای جدید که بین آنها اسلحه ضد تانک و نارنجک انداز ضد تانک میباشد بکار خواهد انداخت هر دو اسلحه ضد تانک محصول اسرائیلند. این راز را آقای شیمون پرس مدیر کل وزارت دفاع آشکار کرد. در گزارشی که نامبرده داد اضافه نمود که کارگاههای ارتشی مدت یکسال و نیم است که گلوله های مختلفه منجمله نارنجک و گلوله توپ میسازند که طرز ساختمان آن با محصولات کارخانهای ارتشی اروپا برابری میکند.

کمک مکانیکی اسرائیل به برمه

روز ۲۳ دسامبر هیئت مرکب از ۵ نفر از استادان بتکسهای مختلفه اسرائیل بترتیب از دانشگاه صنعتی حیفا، وزارت کشاورزی، وزارت کار و هدسا تحت سرپرستی پرفسور «ی. رتنر» از دانشگاه صنعتی بطرف برمه حرکت خواهند کرد. منظور از این مسافرت تحقیق امکان کمک اسرائیل در موارد مکانیکی و فرهنگی است. قبلا برمه از اسرائیل درخواست نموده بود که برای مدت دو سال ۱۲۲ استاد بفرستد توسعه فرهنگ و صنایع بآن کشور

یک مهندس اسرائیلی از طرف سازمان ملل برمه فرستاده شد

آقای «ا. امرامی» مهندس بهداری از طرف تشکیلات بهداشتی بین المللی به برمه رفته و مدت دو سال در آنجا خواهد گذرانید.

داروی جدید فشار خون

آقای دکتر «سوی. برورنر» از بیمارستان دولتی «دونولو» در یافا اظهار داشت که وضع بیابان مبتلا بفشار خون زیاد در این بیمارستان که تحت مداوی مخصوص قرار گرفته اند خیلی بهتر است نامبرده اضافه کرد داروی مخصوصی که

اخیراً کشف و در اسرائیل تهیه میشود بر روی بیش از ۲۰۰ بیمار آزمایش میشود کرچه مداوا وقت زیاد و توجه مخصوص لازم دارد ولی نتیجه آن تشویق آمیز بوده است.

کارخانه تلفون

در یافا کارخانه تلفونی وجود دارد که در خاور میانه نظیر ندارد. این کارخانه در زمان جنگ استقلال بشرکت ۸ نفر از سر بازاری که خدمت زیر پرچم خود را در رشته ارتباطات تمام کرده تاسیس شد. شرکاء وجه زیادی در دست نداشتند بطوریکه هر یک فقط صد لیره بعنوان سهام برداختند.

وزارت دفاع نیز بهر یک ۱۵۰ لیره و صندوق تعاون اشتراکی (کوآپراتیوا) بهر یک قرضه ای ب مبلغ ۲۵۰ لیره پرداخت اعضاء شرکت با این وجوه وسایل مورد لزوم را ایتباع نمودند. طی یکسال ولیم اولیه هیچیک از شرکاء دیناری بر داشت و خرج نکرده بلکه تمام درآمد مصرف خود کارگاه نموده و برای ارتزاق بکار های دیگر از قبیل پیشخدمتی شبانه و دربان سینما و غیره پرداختند امروز در این کارگاه ۱۵ نفر کارگر مزدی مشغول کارند که غالباً جوانان کارگر بوده و مدارس صنعتی را بیایسان رسانیده اند.

شرایط کار را تشکیلات صنعتی (هیستدروت) تعیین میکنند و از این لحاظ مسائل حل نشده ای وجود ندارد. امروز این کارگاه مرکزهای تلفنی مورد لزوم پست اسرائیل را تامین نموده و از وزارت دفاع نیز سفارشات زیادی در بسافت میدارد سال گذشته شرکت سهامی تعاونی تصمیم گرفت بازار خارجی برای خود تهیه نماید نمونه های ارسالی بنمایشگاه از میر در ترکیه فروش رفت و سفارشات جدیدی واصل شد یک مهندس از ترکیه برای یاد گرفتن طرز تعمیر مرکزهای تلفونی که بآن کشور فروخته شده و در آینده فروخته خواهد شد با اسرائیل آمد. فروش محدود بترکیه بود بلکه برمه نیز توجه مخصوصی بخیرید مرکز های تلفن اسرائیلی نمود.

در هر ماه ۶۰۰ تن گوشت وارد خواهد شد

بطوری که گزارش میرسد از ماه ژانویه سال ۱۹۵۵ هر ماه مقدار ۶۰۰ تن گوشت توسط دو کشتی با اسرائیل وارد خواهد شد.

صدای گرمی

بچه ای زیاد کریمه میکرد بطوریکه والدینش بتنگ آمدند زن هر کار میکرد بچه آرام نمیشد. بالاخره مکرزانه او گل کرده بشوهرش گفت شما صدای کریمه را تقلید کنید شاید بچه بترسد و آرام شود. شوهر. مومومومومومومو. زن. پیش پدر سوخته

در مسافر خانه

رئیس کافه - ای نوکر احبقت مگر من چند دهنه تنگتیم بامردم خوش رفتاری کن. چرا بامشتریان دعوا میکنی؟ نوکر - آخر او گفت صاحب کافه احبقت است.

آخرین دندان

آموزگار - کدام دندان بعد از همه دندانها در می آید شاگرد - دندان عاریه



عضو انجمن حمایت حیوانات!



محافظة کار

حاجی و مرگ

حاجی آقا مریض شده بود. بالاخره پس از مشورت خانواده پزشکی برای او حاضر کردند. پزشک نسخه ای نوشت و دستور داد فوراً این دوا را بحاجی آقا بخوراند و الا خواهد مرد حاجی آقا که اسم مرگ را شنید از بستر بلند شده و گفت خودم باید دوا را بخورم برای اینکه شما ها گران میخرید.

حاجی بدوا خانه رفت و گفت من این دواها را میخواهم لطفاً بگوئید قیمت آن چقدر است

مدیر دواخانه تقریباً ۸۵ تومان حاجی واه واه خیلی زیاد است. بفرمائید ببینیم اگر بخوایم بایم خرجم چقدر خواهد شد.

مدیر داروخانه گفت تقریباً ۵ تومان حاجی خیلی خوب آقا نسخه را پس بدهید

تابلوی قصابی

در یک دکان قصابی تابلوی بزرگ و سفیدی آویخته بودند که هیچ تصویری در آن مشاهده نمیشد روزی یکی از مشتریان از قصاب پرسید. فایده این تابلو چیست؟ این تابلو از چمنزاری است که گاوی در آن مشغول چریدن است. مشتری با تعجب گفت. چه حرفها. من نه چمنزار ببینم و نه گاو. قصاب باخنده گفت چمن را گاو خورده مشتری. پس گاو کو؟ قصاب. سرش را بریدم مگر آنرا نمی بینی که بقناره آویزان است.

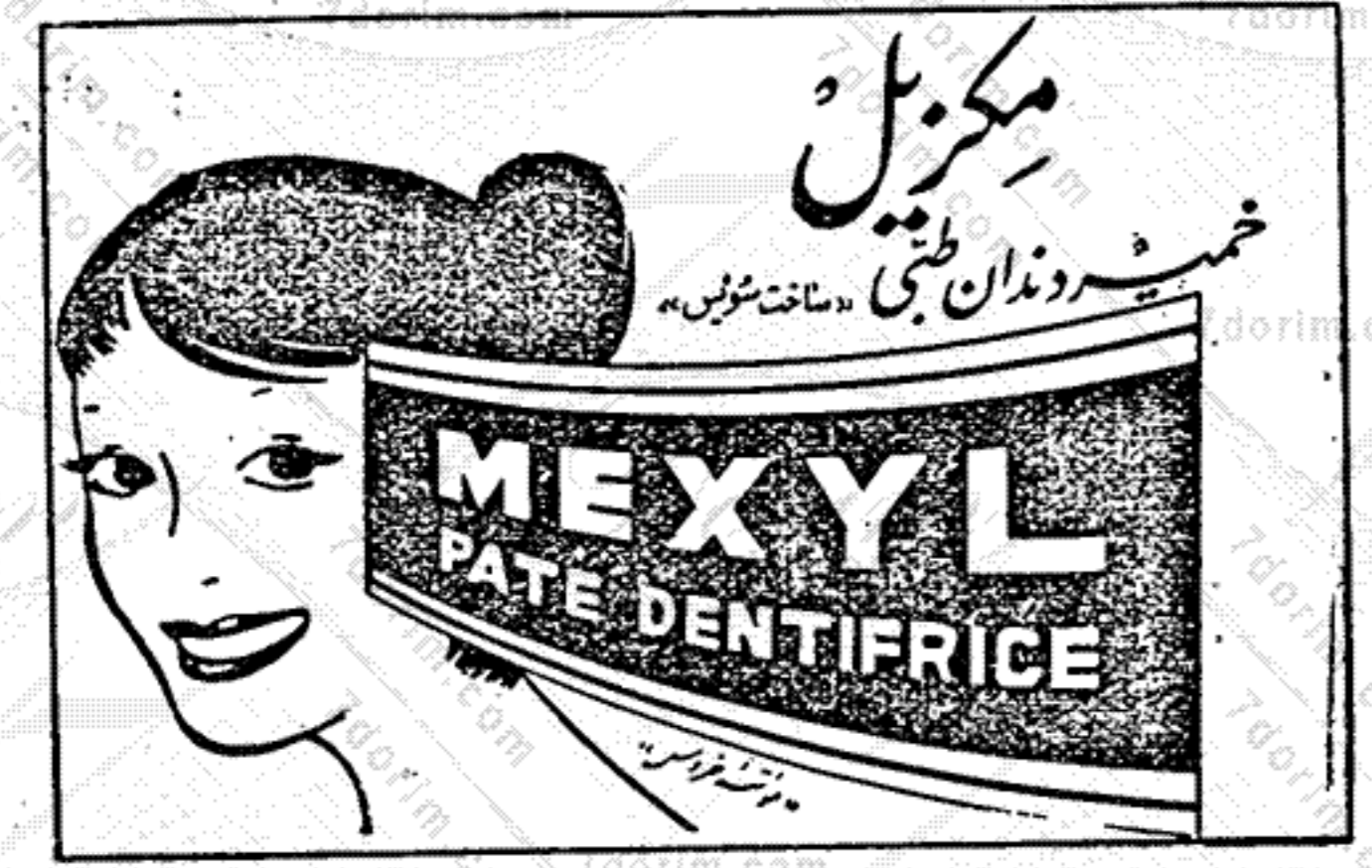
دلیل قانع کننده

مردی هنگام خواب عینک ذره بینی خود را از چشم بر نیبداشت بکروز زنش از او علت این کار را پرسید.

مرد جواب داد. چشمم نزدیک بین است اگر در موقع خواب عینکم نزنم دیگر نمی توانم خواب ببینم.



چتر فروش



مصرف روزانه خمیر دندان مکزیل دندان سالم یعنی سلامتی کامل را تضمین مینماید در کلیه داروخانه های کشور و کالای سوئیس اسلامبول تهران تلفن ۳۹۱۳۴ ش آ-۹۲



پرویز بنابان شاگرد اول کلاس چهارم دبستان نوشاد

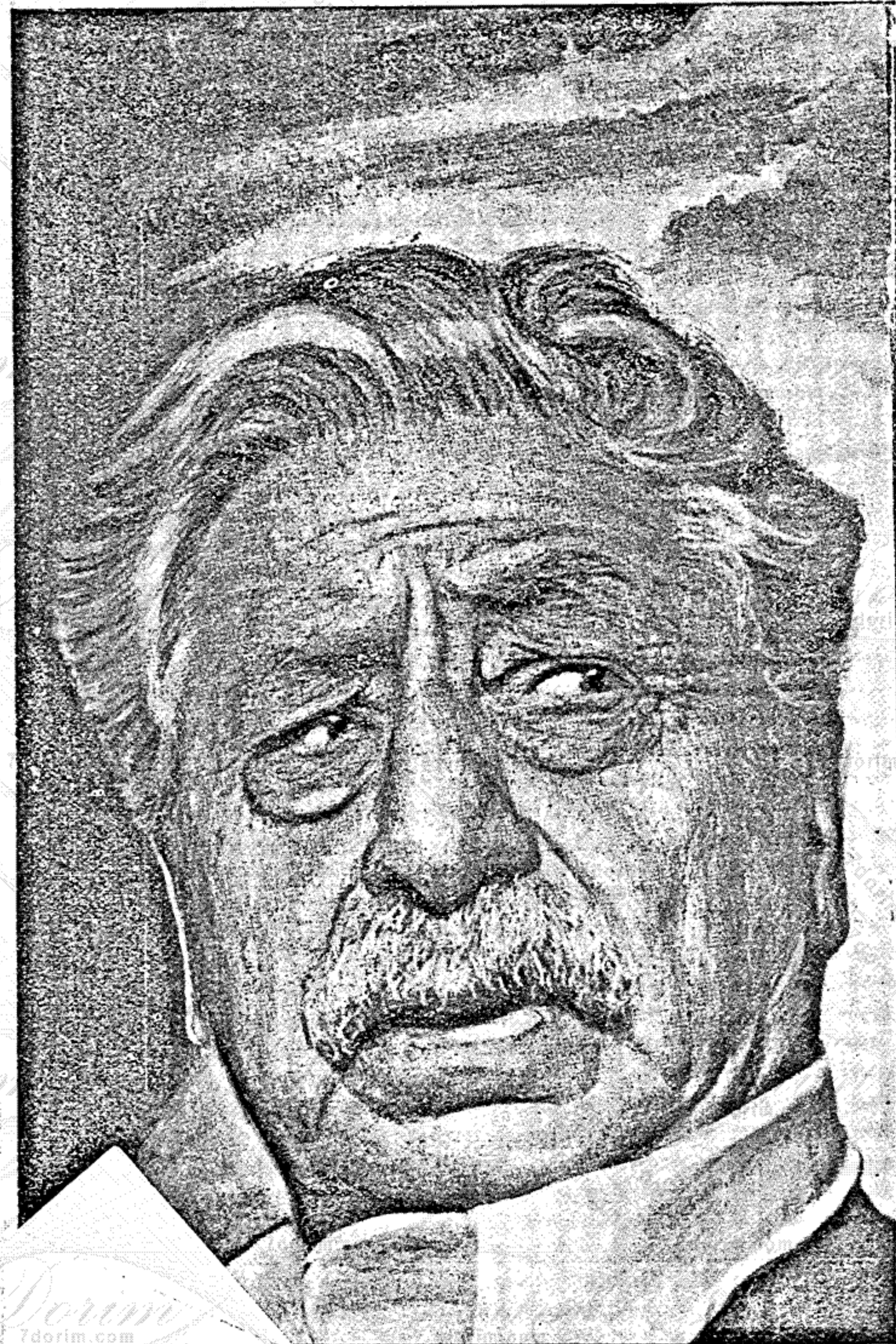
طفل يك شبهه ايکه ره صدساله ميروود دارا اثر جمه و ایزمن!! ش ۱۱۹

شماره چهاردهم
دوره سوم
تک شماره ۵۰ ریال

عالم یهود

העולם היהודי

پنجشنبه
۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۳
۱۰ فوریه ۱۹۵۵
۱۹ شواط ۵۷۱۵



در این شماره دهه

- هیچکس مقصر نیست
- ایلانوت
- شالوماش
- طوفان در اتحادیه اعراب
- بن کوریون بر چنداروحدت اسرائیل
- اخبار عالم یهود
- من اعتراف میکنم
- شمر و ادب
- مقام زن در عالم اسرائیل
- آیا شما خود را خوب جلو میدمید
- داستان
- دانستیهای کونا کون
- هنر پیشگان یهودی
- مسابقات
- خواب و استراحت
- نکاحیات
- و بسیاری مطالب خواندنی دیگر

با ۳ تزریق سهل و ساده

بفاصله ده روز از یکدیگر

اطفال خود را در مقابل ۳ بیماری خطرناک

دیفتیری - گزاز و سیاهسرفه

محافظة فرمائید

* * *

تلقیح واکسن ضد حصبه و تجدید آبله کوبی نیز

برای بزرگ و کوچک لازم است

برای مایه کوبی خود و فرزندان بنزدیکترین سرویس بهداشتی یا

بدرمانگاههای جوینت مراجعه فرمائید

بخش بهداشتی انجمن امریکن جوینت در ایران

بیمارستان کانون خیرخواه - تهران

ش - ۱۱۴

اندرزهای مفید و سودمند برای همه

چنانچه: به سفیدی و بهداشت دندان و دندان خود علاقه مند هستید روزانه خمیر دندان طبی

«دیرودونت DUDODONT» مصرف کنید.

چنانچه: بوی زننده دهان شما را عذاب میدهد خمیر دندان سبز دیرودونت که از ترکیبات

گلر فیل تهیه شده مصرف کنید.

چنانچه: ریش موی شما باعث نراحتی خیال شده یا اینکه اصولاموی سرتان ریخته باشد و

مایل به رویش مجدد آن تمیباشید از محلول «کمانات Comanat» طبق دستوری

که روی آن نوشته شده استعمال کنید.

چنانچه: بانوان و آقایان مایل بداشتن موی شفاف و بر ااق و نداشتن شوره سر میباشد از شاهپوی

بی نظیر بدون الکل «سیتو Cito» مصرف کنید.

چنانچه: آقایان مایل به تراشیدن سهل ریش های خشن و زبر و داشتن صورتی نرم و باطراوت

باشید از خمیر ریش معطر «سیتو Cito» استعمال کنید.

چنانچه: اختلالات عصبی معده، بی خوابی، طپش و گرفتگی قلب، سردرد های عصبی، درد

های ماهیانه شما را زحمت میدهد و ناراحت کرده است از شربت پروژونی وال

«Brojunival» که ترکیبی از برم والرین و ویتامین B1 است طبق تجویز دکتر

روزی سه قاشق مر با خوری بخورید.

اجناس فوق درعین حالی که از بهترین کارخانجات سازنده آن تهیه گردیده با صرفه ترین

و مناسب ترین اجناس مشابه خود میباشد و در کلبه داروخانه های معتبر در دسترس

آ- شما گذاشته شده است

درمانگاه دکتر شادی مخصوص بهداشت و بیماریهای مادران و کودکان

ش ۸۴ آدرس جدید: سه راه شاه - کوچه شهریار - (منزل آقای نورافشان) تلفن ۴۴۰۲۵ ۲-۱۱

هر دو هفته یکبار منتشر میشود صاحب امتیاز دکتر بوستانی

نشانی - خیابان چریل ۳۵ تهران مدیر - موسی کرمانیان

اشتراک سالانه تهران ۱۲۵ ریال - مدیر داخلی منوچهر امیدوار

خارج ۲۵۰ ریال

شرکت سهامی چاپ گهر

نَهْمَالِد

העולם היהודי